

مختصری سودمند

از سیرت رسول الله ﷺ

صلی الله علیه و آله

مصحف

با قلم: شیخ هیثم سرحان حفظه الله (مدرس سابق مرکز آموزشی حرم نبوی)



نوشتاری مختصر و مفید

درباره سیرت نبی مصطفی ﷺ

واوصاف زیبایش



بمقام بنده‌ی نیازمند به عفو پروردگارش

هیثم بن محمد سرحان

مدرس سابق مرکز آموزشی حرم نبوی

وناظر سایت التأسیل العلمي

<http://www.alsarhaan.com>



الطبعة الأولى
جميع الحقوق محفوظة
إلا من أراد طبعه أو ترجمته لتوزيعه مجّاناً بعد مراجعة المؤلف

الرجاء التّواصل على:

islamtorrent@gmail.com

فسح وزارة الإعلام

مُقَدِّمَةُ الْكِتَابِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حمد و ستایش، و بی‌نیازی از خداست؛ او را حمد می‌گوییم و تمجید می‌کنیم و از او یاری می‌خواهیم و درخواست بخشش داریم؛ از بدی‌ها نفسمان و کارهای بدمان، به الله پناه می‌بریم؛ هر آن‌کس را که الله هدایتش کند، هیچ‌کس توان گمراه کردنش را ندارد و هر آن‌کس را که الله گمراهش نماید، هیچ‌کس نمی‌توان هدایتش نماید. گواهی می‌دهم که معبود برحق و شایسته‌ای جز الله وجود ندارد، یگانه است و هیچ شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که محمد ﷺ، بنده و فرستاده‌ی اوست؛ الله تعالی در کتاب راستینش فرمود:

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ ﴿١٠٢﴾ [آل عمران] ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از الله پروا کنید؛ آن‌گونه که شایسته‌ی پروا کردن از اوست و فقط مسلمان و فرمانبردار نمیرید.

﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ ﴿١﴾ [نساء] ترجمه: ای مردم! از پروردگارتان پروا داشته باشید؛ ذاتی که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را از او آفرید و از آن‌دو، مردان و زنان بسیاری پراکنده نمود و از الله پروا کنید که با او، از همدیگر درخواست می‌کنید و با خویشاوندان قطع ارتباط نکنید که الله، همواره بر شما نگهبان است.

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ ﴿٧٠﴾ [بص] ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از الله پروا کنید و سخنی استوار بگویید. تا کارهای شما را به صلاح و درست گرداند و گناهانتان را ببخشید و هر کس از الله و فرستاده‌اش فرمانبرداری کند، قطعاً به رستگاری بزرگی دست می‌یابد.



أما بعد؛ کسی که اندک تلاش و اراده‌ای برای شناخت پیامبرش ﷺ و سیرت و رهنمودهای او دارد، از این عبارات ساده بی‌نیاز نیست. ابن قیم رحمته الله می‌گفت: «اگر سعادت انسان در دو دنیا، به رهنمودهای پیامبر ﷺ وابسته باشد، پس هر کسی خیرخواه خویش است و سعادت و نجات را می‌خواهد، باید باید با رهنمودها و سیرت و جایگاه وی آشنا گردد تا از بی‌خبران نباشد و جزو پیروانش گردد و برخی از مردم، خیلی کم به این بحث وارد می‌شوند، برخی زیاد و برخی از آن محرومند، و هر لطف و فضلی، در اختیار الله است؛ به هر کس بخواهد، عطا می‌فرماید؛ و الله، فضل بسیاری دارد».

از الله متعال می‌خواهم که به من و شما محبت پیامبرش را عنایت بفرماید و توفیقمان دهد که به دستوراتش عمل کنیم و از آنچه نهی نموده، دوری نماییم.





بجش نخست:

ﷺ

شكل و منش پیامبر



شکل ظاهری پیامبر ﷺ

<p>وئ مُحَمَّدٌ ﷺ بنُ عبدِالله بنِ عبدالمُطَّلِب بنِ هاشم بنِ عبدمناف بنِ قُصَيِّ بنِ كلاب بنِ مُرَّة بنِ كعب بنِ لُؤَيِّ بنِ غالب بنِ فِهْر بنِ مالک بنِ النُّصر بنِ كِنانة بنِ خُزَيمَة بنِ مُدرِكة بنِ إلیاس بنِ مُضَر بنِ نزار بنِ مَعَدَّ بنِ عدنان، وعدنان من ولد إسماعیل الذَّبِیح بنِ إبراهیم الخلیل ﷺ است. نسب محمد ﷺ قطعاً بهترین نسب مردم است. در حدیث آمده است که هِرَقْل - پادشاه روم - به ابو سفیان رَضِيَ اللهُ عَنْهُ گفت: «سَأَلْتُكَ عَنْ نَسَبِهِ؟ فَذَكَرْتَ أَنَّهُ فِيكُمْ ذُو نَسَبٍ، فَكَذَلِكَ الرَّسُولُ تُبْعَثُ فِي نَسَبِ قَوْمِهَا» از تو درباره‌ی نسبش پرسیدم؛ گفتی در میان شما صاحب نسب و اصیل است؛ پیامبران همین گونه هستند؛ با نسب قوم خویش مبعوث می‌شوند.</p>	<p>نسب محمد ﷺ</p>
<p>رسول الله ﷺ فرمود: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى كِنَانَةَ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ، وَاصْطَفَى قُرَيْشًا مِنْ كِنَانَةَ، وَاصْطَفَى مِنْ قُرَيْشٍ بَنِي هَاشِمٍ، وَاصْطَفَانِي مِنْ بَنِي هَاشِمٍ». الله تعالی، کنانه را از نسل اسماعیل، قریش را از کنانه و بنی هاشم را از قریش و من را نیز از بنی هاشم برگزید.</p>	<p>انتخاب پیامبر</p>
<p>تمامی این‌ها، و بی‌شک گوی هستند و علم محض نیست که برای معرفه کردن استفاده شود؛ بلکه اسمهایی هستند که از چند صفت گرفته شده‌اند؛ این صفت‌ها معنای مدح و کمال دارند؛ از آن جمله:</p>	<p>نام‌های پیامبر ﷺ</p>
<p>مشهورترین نام پیامبر ﷺ است که در تورات نیز به آن تصریح شده است. معنا: کسی که و بی‌شک گوی‌های ستودنی زیادی دارد.</p>	<p>محمد</p>
<p>یعنی: ستوده‌ترین آفریده‌ی الله، ساکنان زمین و آسمان و دنیا و آخرت، او را به خاطر خوبی‌های زیادش، می‌ستایند. مسیح ﷺ وئ را با همین نام خواند.</p>	<p>احمد</p>
<p>وئ در استوار نمودن دین الله، فقط بر الله توکل نمود نه بر کسی دیگر.</p>	<p>التوکل</p>



<p>الله تعالى با او، كفر را محو نمود و كفر بدین گونه محو نگشته بود.</p>	<p>الناحي</p>	<p>نامهای پیامبر ﷺ</p>
<p>مردم با آمدن او، گرد می‌آیند؛ گویا آمده است تا مردم را گرد آورد.</p>	<p>الهاشر</p>	
<p>پیامبری بعد از او نیست و او خاتم پیامبران است.</p>	<p>العاقب</p>	
<p>کسی که در پی پیامبران پیشین آمد و الله، او را پس از پیامبران آورد.</p>	<p>المقفي</p>	
<p>الله با او، دروازه‌ی توبه را بر زمینیان گشود و توبه‌ی آنان را بخشید؛ آن گونه که چنان بخشید نشده بود؛ پیامبر ﷺ بیشتر از سایر مردم توبه و استغفار می‌نمود.</p>	<p>نبي التوبة</p>	
<p>برای جهاد با دشمنان الله فرستاده شد؛ هیچ پیامبر و امتی مانند رسول الله ﷺ و امتش، جهاد نکرده‌اند؛ نبردهایی که برایش رخ داد، بی‌سابقه بود.</p>	<p>نبي المحمة</p>	
<p>الله تعالى او را مایه‌ی رحمت و مهر برای جهانیان فرستاد؛ با او بر تمام زمینیان، رحم نمود؛ مؤمنان سهم بیشتر و ویسبیه‌های از رحمت و لطف او دارند و کافران و اهل کتاب، در زیر سایه و پیمان او زندگی می‌کنند.</p>	<p>نبي الرحمة</p>	
<p>الله تعالى، دروازه‌ی هدایت خویش را با او گشود؛ چشم‌های نابینا، گوش‌های ناشنوا و قلب‌های بی‌خبر را آگاه ساخت؛ الله با او، سرزمین‌های کافران را فتح نمود و دروازه‌های بهشت را گسود و راه‌های علم سودمند و کردار شایسته را باز فرمود.</p>	<p>الفتاح</p>	



<p>وی برای این اسم، شایسته‌ترین است؛ امانت‌دار وحی و دین الله است؛ امین ساکنان آسمان و زمین است؛ کافران قریش هم او را پیش از بعثتش امین نامیدند.</p>	<p>الأمین</p>	<p>نام‌های پیامبر ﷺ</p>
<p>بشارت‌دهنده‌ی فرمانبردار الله به بهشت است و هشداردهنده‌ی سرکشان او به دوزخ.</p>	<p>البشیر</p>	
<p>پیامبر ﷺ فرمود: «أَنَا سَيِّدُ وَلَدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا فَخْرَ» من سرور فرزندان آدم در روز رستاخیز هستم و این، مایه‌ی فخر فروشی نیست.</p>	<p>ولد آدم</p>	
<p>آن کسی که بدون هیچ شعله‌ای، روشنائی می‌بخشد.</p>	<p>السراج المنیر</p>	
<p>او، بنده‌ی الله است؛ عبودیت او، کاملاً و بی‌شائبه است؛ زیرا مراتب عبادت را کامل نمود.</p>	<p>یکی‌ده‌ای ویژگی‌های پیامبر ﷺ</p>	
<p>کاملترین و بی‌شائبه‌گی پیامبر ﷺ همان است که خود را به آن توصیف نمود: «أَنَا مُحَمَّدٌ عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ، مَا أَحَبُّ أَنْ تَرْفَعُونِي فَوْقَ مَنْزِلَتِي الَّتِي أَنْزَلَنِي اللَّهُ بِهَا» من محمد، بنده و فرستاده‌ی الله هستم؛ نمی‌پسندم که مرا بالاتر از آن‌چه الله مرا فرستاده، بدانید.</p>		
<p>پیامبر ﷺ خوش اخلاق‌ترین و زیباترین انسان بود؛ الله تعالی فرمود: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ [قلم] ترجمه: و تو اخلاق باعظمتی داری. عائشة <small>رضی الله عنها</small> می‌گفت: «اخلاقش قرآن بود» به قرآن عمل می‌نمود و حدودش را نگاه می‌داشت؛ خشنودئ یا ناراحتئ اش، به خاطر الله بود.</p>		
<p>پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَنِي خَلِيلًا كَمَا اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا» الله، مرا به‌عنوان خلیل برگزید؛ همان‌طور که ابراهیم را خلیل برگزید.</p>		<p>خلیل الله</p>
<p>أنس بن مالك <small>رضی الله عنه</small> می‌گفت: «رسول الله ﷺ روشنترین رنگ را داشت. عرقش گویا مروارید بود؛ باصلابت راه می‌رفت؛ دیبا و ابریشمی نرم‌تر از دست رسول الله ﷺ لمس نکرده‌ام، مشک و عنبری خوشبوتر از بوی رسول الله ﷺ حس نکرده‌ام».</p>	<p>بدن گرامی‌اش</p>	



قامتش	<p>براء بن عازب <small>رضي الله عنه</small> می گفت: «پیامبر <small>ﷺ</small> قامت متوسط داشت؛ میان دو کتفش، پهن بود، بلندی مویش، تا نرمی گوش می رسید، او را در لباسی قرمز که دیدم، هرگز چیزی زیباتر از او ندیده بودم».</p>
چهره اس	<p>کعب بن مالک <small>رضي الله عنه</small> می گفت: «باری بر رسول الله <small>ﷺ</small> سلام کردم و چهره اش از شادی می درخشید. هر گاه رسول الله <small>ﷺ</small> خوشحال می شد، چهره اش روشن می گشت؛ گویا تکه ای از ماه است. و ما به خوشحالی اش پی می بردیم» از براء <small>رضي الله عنه</small> پرسیدند: آیا چهره ی پیامبر <small>ﷺ</small> مانند شمشر بود؟ گفت: «خیر؛ بلکه همچون ماه بود».</p>
مویش	<p>أنس بن مالك <small>رضي الله عنه</small> می گفت: «دستان پیامبر <small>ﷺ</small> سستبر و ورزیده بود و چنان دستانی ندیده بودم؛ موهای پیامبر <small>ﷺ</small> صاف و بدون فر و نرم بود».</p>
چشماتش	<p>جابر بن سمرة <small>رضي الله عنه</small> می گفت: «رسول الله <small>ﷺ</small> دهانی گشاده داشت و در سپیدی چشمانش، کمی سرخی بود؛ پاشنه های ظریف و کم گوشت داشت»</p>
عرقش	<p>أنس بن مالك <small>رضي الله عنه</small> می گفت: «روزی پیامبر <small>ﷺ</small> نزدمان آمد و خواب قیلوله کرد؛ وی عرق نمود؛ مادرم با ظرفی آمد و عرقش را در آن جمع نمود؛ پس پیامبر <small>ﷺ</small> بیدار شد و فرمود: ای ام سلیم! چه می کنی؟ گفت: این عرق شماست که برای عطر استفاده می کنیم؛ چون خوشبوترین عطر است».</p>
مهر نبوت	<p>مُهر و نشان نبوت میان دو شانۀ پیامبر <small>ﷺ</small> برجسته بود. جابر بن سمرة <small>رضي الله عنه</small> می گفت: «مُهر نبوت را بر شانۀ اش دیدم که هم چون تخم کبوتر، در بدنش واضح بود».</p>

و ظاهری های ظاهری پیامبر ﷺ





<p>عمرو بن العاص <small>رضی اللہ عنہ</small> می گفت: «هیچ کس را بیشتر از رسول الله <small>صلی اللہ علیہ وسلم</small> دوست نداشتم و کسی در نگاهم، از او بزرگوارتر نبود؛ به خاطر بزرگی اش، به او چشم ندوختم؛ اگر از من بخواهند توصیفش کنم، نمی توانم؛ چون به خیره نشده ام». روز حدیبیه، عرو بن مسعود ثقفی در توصیف پیامبر <small>صلی اللہ علیہ وسلم</small> به قریش گفت: «به الله سوگند ندیده بودم که مردمی، پادشاهشان را گرمی بدارند، آن گونه که یاران محمد صلی الله علیه و سلم، او را گرمی می دارند؛ به الله سوگند! اگر آب دهان یا بینی اش بر دست کسی می افتاد، آن را بر چهره و بدنش می کشید. اگر به آنان دستوری می داد، بی درنگ به آن می شتافتند، اگر وضو می گرفت، نزدیک بود برای رسیدن به آب وضویش بجنگند، وقتی سخن می گفت، صدایشان را در نزدش پایین می آوردند، نگاهشان را برای بزرگداشتش، به او خیره نمی کردند».</p>	<p>بزرگداشت اصحاب از او</p>
<p>عبد الله بن شخیر <small>رضی اللہ عنہ</small> می گفت: «گفتیم: تو سرور ما هستی؛ وی گفت: سید و سرور، الله تبارک و تعالی است؛ گفتیم: بهترین و بزرگوارترین ما هستی. فرمود: قُولُوا بِقَوْلِكُمْ - أَوْ بَعْضِ قَوْلِكُمْ -، وَلَا يَسْتَجْرِبَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ» چینی می گوئی، ولی شیطان، شما را به بد گفتن نکشاند.</p>	<p>ادبش در رابطه با الله</p>
<p>علي <small>رضی اللہ عنہ</small> می گفت: «وقتی نبرد دسوار می شد و جنگ تن به تن می گشت، به رسول الله <small>صلی اللہ علیہ وسلم</small> پناه می بردیم؛ او از همه ی ما به دشمن نزدیک تر بود».</p>	<p>شجاعتش</p>
<p>پیامبر <small>صلی اللہ علیہ وسلم</small> فرمود: «أَمَّا وَاللَّهِ إِنِّي لَأَخْشَاكُمُ لِلَّهِ وَأَتْقَاكُمُ لَهُ» به الله سوگند، من من بیش از شما، از الله ترسان هستم و پروا دارم.</p>	<p>ترسش از الله</p>
<p>پیامبر <small>صلی اللہ علیہ وسلم</small> فرمود: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِيهِ، وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي» بهترین شما، بهترین برای خانواده اش است و من بهترین شما، برای خانواده ام هستم.</p>	<p>به خانواده خوبى كردنش</p>

ویژگی های اخلاقی پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم





<p>أبو سعيد خدری رَضِيَ اللهُ عَنْهُ می گفت: «رسول الله ﷺ بیش از زیبارویی که در حجابش بود، شرم و حیا داشت؛ وقتی چیزی ناپسندی را می دید، از چهره اش متوجه می شدیم».</p>	<p>شرم و حیا او</p>
<p>عائشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا می گفت: «پیامبر ﷺ میان دو کار، آسان ترین را بر می گزید؛ البته اگر گناهی بر آن نبود؛ اگر آن کار گناه داشت، بسیار دور می شد».</p>	<p>آسان گیری</p>
<p>عائشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا می گفت: «به الله سوگند! هرگز به خاطر کسب چیزی به سود خود، نجنگید و انتقام نگرفت؛ تا حریم اله شکسته نشود؛ به خاطر الله جنگید و مجازات کرد».</p>	<p>برای خودش، مجازات نمی کرد</p>
<p>عائشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا می گفت: «رسول الله ﷺ هرگز از غذا عیب نگرفت؛ اگر می خواست، می خورد و اگر دوست نداشت، نمی خورد».</p>	<p>از غذا عیب</p>
<p>عائشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا می گفت: «رسول الله ﷺ هدیه را می پذیرفت و جبران می نمود».</p>	<p>هدیه را می پذیرفت</p>
<p>پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّ أَلَ مُحَمَّدٍ ﷺ لَا يَأْكُلُونَ الصَّدَقَةَ» خاندان محمد ﷺ، صدقه نمی خورند.</p>	<p>صدقه نمی خورد</p>
<p>عقبه بن عامر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ می گفت: مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و با او سخن گفت؛ در حالی که پهلوهایش می لرزید؛ پیامبر ﷺ به او فرمود: «هُوَ عَلَىكَ؛ فَإِنِّي لَسْتُ بِمَلِكٍ، إِنَّمَا أَنَا ابْنُ امْرَأَةٍ تَأْكُلُ الْقَدِيدَ» به خودت سخت نگیر؛ پادشاه که نیستم؛ فرزند زنی هستم که گوشت خشکیده می خورد.</p>	<p>تواضعش</p>

ویژگی های اخلاقی پی امبر ﷺ





<p>أسود بن یزید <small>رضی الله عنہ</small> می گفت: از عایشه <small>رضی الله عنہا</small> پرسیدم: پیامبر <small>صلی الله علیہ وسلم</small> در خانه چه می کرد؟ گفت: «در خدمت خانواده اش بود؛ وقت نماز که می شد، به نماز می رفت».</p>	<p>خدمتش به خانواده</p>	<p>ویژگی های اخلاقی پی امبر <small>صلی الله علیہ وسلم</small></p>
<p>پیامبر <small>صلی الله علیہ وسلم</small> فرمود: «آیا تعجب نمی کنید که الله چگونه مرا از دشنام و لعنت قریش دور ساخت؟! مرا بسیار ناسزا می گویند و نکوهیده می خوانند؛ اما من ستوده هستم».</p>	<p>بای وجهی به افراد نادان</p>	
<p>عبد الله بن مسعود <small>رضی الله عنہ</small> می گفت: رسول الله <small>صلی الله علیہ وسلم</small> صادقانه و تأیید شده با ما سخن می گفت.</p>	<p>راستگویی او</p>	
<p>أنس بن مالک <small>رضی الله عنہ</small> می گفت: در مسجد نشسته بودیم که مردی با شتر وارد شد؛ شتر را در مسجد نشانند و بست؛ سپس گفت: کدامتان محمد است؟ رسول الله <small>صلی الله علیہ وسلم</small> در پشت سر تکیه زده بود. گفتیم: این مرد سپید که تکیه زده. آن مرد گفت: ای پسر عبد المطلب! رسول الله <small>صلی الله علیہ وسلم</small> گفت: «بفرما». مرد گفت: ای محمد! سؤالاتی از تو می پرسم؛ صریح پاسخم را بگو، رسول الله <small>صلی الله علیہ وسلم</small> فرمود: «هر چه می خواهی پرس». مرد گفت: تو را به پروردگارت و پروردگار مردم پیش از تو سوگند می دهم؛ آیا الله تو را به سوئی تمام مردم فرستاده است؟ رسول الله <small>صلی الله علیہ وسلم</small> گفت: «یا الله! بله»، گفت: تو را به الله سوگند می دهم؛ آیا الله به تو فرمان داد که نمازهای پنجگانه را در شبانه روز به جا آوری؟ رسول الله <small>صلی الله علیہ وسلم</small> فرمود: «یا الله! بله» گفت: تو را به الله سوگند می دهم؛ آیا الله به تو فرمان داد که این ماه را روزه بگیری؟ رسول الله <small>صلی الله علیہ وسلم</small> فرمود: «یا الله! بله» گفت: تو را به الله سوگند می دهم؛ آیا الله به تو فرمان داد زکات را از ثروتمندان بگیری و میان مستمندان تقسیم کنی؟ رسول الله <small>صلی الله علیہ وسلم</small> فرمود: «یا الله! بله» مرد گفت: به تو و دعوت ایمان آوردم؛ من فرستاده ای گروهی از قوم خود هستم؛ ضمام بن ثعلبه برادر بنی سعد بن بکر.</p>	<p>فردی صبور و متواضع بود که از اصحاب بازشناخته نمی شد</p>	





<p>أنس <small>رضي الله عنه</small> می گفت: «ده سال خدمت رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small> را کردم؛ به الله سوگند! هرگز به من اُف هم نگفت؛ اگر کاری کردم، نگفت که چرا چنین کردی و اگر کاری نکردم، نگفت که چرا چنین نکردی».</p>	<p>خدمتکار اخلاقش با</p>	<p>ویژگی‌های اخلاقی پیامبر <small>صلى الله عليه وسلم</small></p>
<p>عائشة <small>رضي الله عنها</small> می گفت: «خانواده‌ی محمد <small>صلى الله عليه وسلم</small> تا پیش از فوت رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>، دو روز پیاپی از نان جو سیر نخوردند».</p>	<p>خوراکش</p>	
<p>پیامبر <small>صلى الله عليه وسلم</small> فرمود: دوست ندارم که دیناری در اختیار داشته باشم و زمان بر من بگذرد و آن را نزد خود نگه دارم؛ مگر برای پرداخت بدهی یا اینکه بگویم: آن را میان دیگران تقسیم کنند.</p>	<p>زهد پیامبر <small>صلى الله عليه وسلم</small> در دنیای</p>	
<p>عائشة <small>رضي الله عنها</small> می گفت: «پیامبر <small>صلى الله عليه وسلم</small> ناسزاگو و بددهان نبود؛ در بازارها فریاد نمی‌زد و بدی را با بدی جواب نمی‌داد؛ بلکه می‌بخشید و گذشت می‌نمود».</p>	<p>دشنام نمی‌داد</p>	
<p>عائشة <small>رضي الله عنها</small> می گفت: «دست رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small> هرگز دست هیچ زنی را لمس نکرد».</p>	<p>دست زن را لمس نکرد</p>	
<p>عمر <small>رضي الله عنه</small> می گفت: نزد رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small> رفتم؛ وی بر حصیری خوابیده بود؛ کنارش نشستم؛ اثر حصیر بر پهلویش بود؛ گنجه‌ی رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small> را دیدم که مشتی جو، حدود یک کیلو بود، همان مقدار هم دانه‌ی قرظ (برای دباغی) در گوشه‌ی اتاقش وجود داشت؛ پوست دباغی نشده‌ای نیز در آن جا آویزان بود. به گریه افتادم؛ پیامبر <small>صلى الله عليه وسلم</small> فرمود: «به خاطر چه گریه می‌کنی؛ ای پسر خطاب؟!» گفتم: ای پیامبر الله! چرا گریه نکنم در حالی که این حصیر، بر پهلویت اثر گذاشته، در گنججات همین است و قیصر و کسری در بوستان‌های پرمیوه و پرآب به سر می‌برند؛ تو رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small> و برگزیده‌ی او هستی؛ و گنجه‌ی تو این است؟! فرمود: «ای پسر خطاب! مگر دوست نداری دنیا مال آن‌ها باشدو آخرت مال ما؟» گفتم: آری.</p>	<p>خانه و زندگی</p>	



آزمون اول

درست نادرست

سؤال:

- ❁ سعادت بنده در دو دنیا، به دانستن رهنمودهای پیامبر ﷺ بستگی دارد.
- ❁ پیامبران با نسب قومشان فرستاده می‌شدند.
- ❁ کامل‌ترین توصیف پیامبر ﷺ فرمایش خود اوست: «من محمد، بنده و فرستاده‌ی الله هستم.»
- ❁ حریر و ابریشم، از دست پیامبر ﷺ نرم‌تر بود
- ❁ الله تعالی بهترین اخلاق و نیکوترین رفتارها را در محمد ﷺ گرد آورد، برتری و علم و همه‌ی آنچه موجب سعادت و موفقیت در دو دنیاست، فقط به او عطا نمود.
- ❁ پیامبر ﷺ سوادای نداشت؛ نه می‌خواند و نه می‌نوشت و هیچ معلمی نداشت

- ❁ بهترین انسان از نظر نسب: یونس بن متی ﷺ محمد بن عبد الله ﷺ
- ❁ نام‌های پیامبر ﷺ: همگی توصیف اوست فقط علم و برای معرفی هستند
- برگرفته از وی گی‌هایی ست که به معنای مدح و کمال است همه موارد ۱ و ۳
- ❁ «اخلاقش، قرآن بود» یعنی: رضایتش به خاطر الله بود ناراحتی‌اش به خاطر الله بود هر دو
- ❁ خلیل الله کیست؟ ابراهیم محمد ﷺ هر دو
- ❁ «رنگ رسول الله ﷺ درخشان‌ترین بود»: گندمگون سفید خیلی سفید
- ❁ خوش‌بوترین کدام است: مشک عرق پیامبر ﷺ
- ❁ قامت پیامبر ﷺ متناسب بود: قدش متوسط بود قد بلند بود



قریش	اسماعیل	بنی هاشم	کنانة	انتخاب الله تعالى:
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	کنانة از فرزند
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	قریش از
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	بنی هاشم
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	پیامبر ﷺ از

جد بزرگوار ﷺ	پیش از جد بزرگوار ﷺ	پدر بزرگوار ﷺ	نام جد	نام پدر	نامش	نسب پیامبر ﷺ:
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	هاشم
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	عبد المطلب
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	عبد الله
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	محمد
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	اسماعیل
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	ابراهیم

السراج	العاقب	أحمد	محمد	تعریف هر نام را علامت بزنی:
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	بیش از دیگران پروردگارش را حمد می گوید
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	بدون آتش، روشنی می بخشد
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	خصلت های ستودنی بسیار دارد
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	بعد از او، پیامبری نیست و آخرین پیامبر است

ترس از الله	اخلاق و ظاهر	نسب	بو	دست	پیامبر ﷺ:
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	بهترین مردم
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	نرمترین
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	خوشبوترین
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	نیکوترین
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	بیشترین





هدیه	صدقه	به خاطر خودش	غذا	به خاطر الله تعالی	پیامبر ﷺ:
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	انتقام نمی‌گرفت
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	مجازات می‌کرد
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	سرزنش نمی‌کرد
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	می‌پذیرفت و جبران می‌کرد
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	نمی‌پذیرفت





رفتار و منش پی‌امبر ﷺ

<p>دوست‌داشتنی‌ترین رنگ برای او، سفید بود؛ می‌گفت: «از بهترین لباس‌های شماست و مردگان را در آن کفن کنید».</p>	<p>محبوب‌ترین رنگ</p>	<p>منش پی‌امبر ﷺ در پوشش، خوردن و نوش‌دادن</p>
<p>هر لباسی که مقدور بود، می‌پوشید؛ گاهی از پشم، گاهی از پنبه و گاهی از کتان. برای پوشیدن لباس، از سمت راست شروع می‌کرد.</p>	<p>لباسش</p>	
<p>علمای سلف می‌گفتند: (دو لباس شهرت را نمی‌پندیدند؛ خیلی گران و خیلی کهنه) در حدیث ابن عمر <small>رضی الله عنهما</small> می‌خوانیم: «کسی که لباس شهرت بپوید، الله تعالی در رستاخیز، لباس تحقیر آمیزی برتش می‌نماید و سپس آتش را در آن شعله‌ور می‌کند»؛ زیرا قصد غرور و فخر فروشی دارد و الله این‌گونه مجازاتش می‌کند. ابن عمر <small>رضی الله عنهما</small> از پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> نقل می‌کند: «کسیکه لباسش را از روی غرور بلند گرداند، لم الله در رستاخیز به او نگاه نمی‌نماید».</p>	<p>تعادل در لباس</p>	
<p>غذای حاضر را پس نمی‌زد و غذایی غیر آن نمی‌خواست؛ هر خوراک پاک‌ی که نزدش می‌آوردند، میل می‌نمود؛ اگر دلش نمی‌خواست، نمی‌خورد؛ اما آن را حرام نمی‌نمود؛ عایشه <small>رضی الله عنها</small> می‌گفت: «به هیچ غذایی ایراد نگرفت؛ اگر دوست داشت، می‌خورد و اگر نمی‌پسندید، نمی‌خورد» مانند سوسمار که به‌خاطر عادت غذایی نمی‌خورد.</p>	<p>غذای پی‌امبر ﷺ</p>	
<ul style="list-style-type: none"> - غذایش روی زمین و در سفره گذاشته می‌شد. - با سه انگشت غذا می‌خورد. - تکیه زده غذا نمی‌خورد. - در شروع خوردن، بسم می‌گفت و در انتهای آن، الحمد لله. - غذا را که میل می‌نمود، انگشتانش را می‌لیسید. 	<p>آداب غذا خوردن</p>	





<p>— بیشتر در حالت نشسته آب می‌خورد و از آب خوردن در حالت ایستاده، منع می‌نمود؛ مگر این که عذری باشد.</p> <p>— هنگام نوشیدن، فرد سمت راست و یا سمت چپش اگر بزرگتر بود، تعارف می‌نمود.</p>	<p>نوش‌دانی پیامبر ﷺ</p>	
---	--------------------------	--

<p>— پیامبر ﷺ فرمود: «از دنیای شما، این‌ها برای من محبوب هستند: زنان و عطر؛ نور چشم من و خوشحالی من در نماز است».</p> <p>— وَكَانَ يَقْسِمُ بَيْنَهُنَّ فِي الْمَيْتِ وَالْإِيَّاءِ وَالنَّقَّةِ.</p> <p>— عایشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا می‌گفت: «قصد سفر که داشت، میان همسرانش قرعه می‌انداخت؛ قرعه به نام هر کدامشان می‌شد، او را با خود می‌برد».</p> <p>— با همسرانش خوش اخلاق و خوش رفتار بود.</p> <p>— دختران انصار را نزد عایشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا می‌آورد تا با او بازی کنند؛ اگر چیزی ممکن می‌خواست، به خواسته‌اش عمل می‌کرد.</p> <p>— به اتاق عایشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا می‌رفت؛ تکیه می‌زد و قرآن می‌خواند؛ هر چند همسرش عادت ماهیانه بود، و در حال روزه، همسرش را می‌بوسید.</p> <p>— از روی مهربانی و خوش اخلاقی، با همسرش همبازی می‌شد؛ دو بار در مسافرات، با او مسابقه داد و هنگام بیرون رفتن از خانه، از هم پیشی می‌گرفتند.</p> <p>— وَكَانَ إِذَا سَافَرَ وَقَدِمَ لَمْ يَطْرُقْ أَهْلَهُ نِيْلًا، واز این کار نهی می‌نمود.</p>	<p>رهنمود پیامبر ﷺ در ازدواج و زندگی زناشویی</p>	
---	--	--

<p>— وقتی پیامبر ﷺ برای خواب آماده می‌شد، می‌گفت: «بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَحْيَا وَأَمُوتُ» هر شب که به رختخواب می‌رفت، دو دستش را جمع می‌نمود این سوره‌ها را می‌خواند در دستانش می‌دمید: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾، سپس تمام بدنش را دست می‌کشید. سه بار، از سر و صورتش شروع می‌نمود و جلوی بدنش را مسح می‌کرد. دراز که می‌کشید، دست راستش را زیر گونه می‌گذاشت و سه بار می‌گفت: «اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ» وقتی بیدار می‌شد، می‌گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» سپس مسواک می‌زد.</p>	<p>رفتار پیامبر ﷺ در خواب و بیداری</p>	
--	--	--





- اول شب می خوابید و آخر شب برمی خواست؛ گاهی برای کارهای مسلمانان، اول شب را بیدار بود.
- چشمان پیامبر ﷺ به خواب می رفت و قلبش هوشیار بود.
- وقتی پیامبر ﷺ می خوابید، او را بیدار نمی کردند تا خودش بیدار شود.
- خواب پیامبر ﷺ متعادل بود؛ که سودمندترین نوع خواب می باشد.

- پیامبر ﷺ شوخی می نمود و در شوخی هایش هم حقیقت را می گفت.
- پیامبر ﷺ توریه می کرد؛ اما دروغ نمی گفت.
- پیامبر ﷺ راهنمایی می نمود و مشورت می گرفت.
- پیامبر ﷺ از بیماران عیادت می نمود، جنازه را تشییع می کرد، دعوت را می پذیرفت، به نیازهای بیوه زنان، ناتوانان و نیازمندان، رسیدگی می نمود.
- شعری در مدح خود شنید و پاداش داد. آنچه در ستایش او سروده شده، بخش کوچکی از خوبی های اوست؛ اما آنچه در مدح دیگران سروده اند، بیشتر آن، دروغ و بی پایه است.
- پیامبر ﷺ کفشش را خودش می پوشید و ایراد لباسش را درست می نمود، دلو آبش را وصله می زد، شیر گوسفندش را می دوشید، لباسش را می شست، به خانواده اش کمک می نمود و همراه با دیگران، در ساخت مسجد کمک می کرد.
- پیامبر ﷺ باری از شدت گرسنگی، سنگ را به شکمش بست و باری سیر غذا خورد.
- پیامبر ﷺ مهمانی می گرفت و مهمانی می رفت.
- پیامبر ﷺ وسط سر، پشت پا، دو رنگ گردن و کمرش را حجامت می نمود.
- از دارو استفاده کرد؛ خود از داغ کردن استفاده نمود و درخواست داغ کردن نفرمود؛ رقیه خواند و درخواست رقیه نکرد.
- خوش بر خوردترین مردم بود و اگر چیزی را به قرض می گرفت، بهتر از آن را برمی گرداند.



<p>از همه، سریعتر و بهتر و استوارتر راه می‌رفت. چنان از یارانش سریعتر بود که برای رسیدن به او، تلاش می‌کردند. هم پابرهنه و با کفش راه می‌رفت. گاهی صحابه <small>رضی الله عنہم</small> جلوتر از او راه می‌رفتند و خودش پشت سرشان می‌رفت. پیامبر <small>صلی الله علیہ و آله و سلم</small> با یکی از یارانش یا با تعدادی از آنان، همراهی می‌نمود.</p>	<p>رفتار پیامبر <small>صلی الله علیہ و آله و سلم</small> در راه رفتن</p>
<p>بیش از دیگران ذکر الله می‌نمود؛ تمام سخنانش یاد الله و مورد رضایت او بود. پیامبر <small>صلی الله علیہ و آله و سلم</small> در موقعیت‌های متعدد یاد می‌نمود؛ مانند: بیدار شدن، شرع نماز، خروج از خانه، ورود به مسجد، در صبح و شب، وقت پوشیدن لباس، ورود به خانه یا خروج از آن، ورود به سرویس بهداشتی، پیش و پس از وضو، وقت شنیدن اذان، هنگام دیدن هلال ماه، پیش و پس از خوردن و هنگام عطسه.</p>	<p>رفتار پیامبر <small>صلی الله علیہ و آله و سلم</small> در ذکر</p>
<p>پیامبر <small>صلی الله علیہ و آله و سلم</small> فرمود: «ده کار از فطرت است: کوتاه کردن سبیل، انبوه گذاشتن ریش، مسواک، استنشاق آب، کوتاه کردن ناخن، شستن مچ‌ها، تراشیدن زیر بغل، تراشیدن زیر شکم . استنجاء» مورد دهم را راولی از یاد برده است.</p>	<p>شمردن سنت‌ها</p>
<p>پیامبر <small>صلی الله علیہ و آله و سلم</small> در کفش پوشیدن، گام نهادن، پاکیزه کردن، گرفتن یا دادن چیزی، دوست داشت از سمت راست شروع کند؛ غذا خوردن، نوشیدن یا پاک نمودنش با راست بود و ورودش به دستشویی یا حمام و هرکاری برای زدودن ناپاکی، با چپ بود.</p>	<p>کار از سمت راست شروع کردن هر</p>
<p>یا تمام سرش را می‌تراشید و یا هیچ جای آن را نمی‌تراشید.</p>	<p>تراشی دن سر</p>
<p>پیامبر <small>صلی الله علیہ و آله و سلم</small> مسواک زدن را دوست داشت؛ وی در حال روزه یا غیر آن، وقت بیدار شدن، هنگام وضو، پیش از نماز، وقت ورود به خانه، با چوب درک اراک، مسواک می‌زد.</p>	<p>مسواک</p>
<p>پیامبر <small>صلی الله علیہ و آله و سلم</small> زیاد از عطر استفاده می‌نمود و عطر را دوست داشت.</p>	<p>عطر</p>



<p>پیامبر ﷺ می گفت: «با مشرکان مخالفت نمایید؛ ریش را انبوه بگذارید و سبیل را کوتاه کنید».</p>	<p>ریش و سبیل</p>	
<p>انس رَضِيَ اللهُ عَنْهُ می گفت: «پیامبر ﷺ در کوتاه نمودن سبیل و ناخن بر ایمان زمان مشخص نمود که بیشتر از چهل شبانه روز طول نکشد».</p>	<p>تغیظ</p>	
<ul style="list-style-type: none"> - عایشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا می گفت: «رسول الله ﷺ مانند شما تعریف نمی کرد؛ واضح و کامل سخن می گفت تا کسی که نزدش نشست، آن را حفظ نماید». - در موارد بسیار، سخنش را سه بار تکرار می نمود تا درباره اش بیندیشند؛ همچنین سه بار سلام می کرد. - بنا بر ضرورت سخن می گفت و سخنانش کوتاه و پرمعنا بود. - درباره ی چیزی که نمی دانست، سخن نمی گفت و چیزی را که امید ثواب داشت، بیان می نمود. پیامبر ﷺ ناسزاگو و بددهان و پرهیاهو نبود. 	<p>سخن گفتن بی امبر ﷺ</p>	<p>رفتار بی امبر ﷺ در گفتار، خندیدن، گریستن و بیان خطبه</p>
<p>تمامی خنده اش در قالب تبسم بود و نهایتا هنگام خندیدن، دندان هائی آسیابش دیده می شد.</p>	<p>ضحکه</p>	
<ul style="list-style-type: none"> - گریه اش با صدا و فریاد همراه نبود؛ بلکه هنگام گریستن اشک می ریخت و اندکی صدای سینه اش به گوش می رسید. - ریه اش، یا از روی رحم و مهربانی بر میت بود و یا از بابت نگرانی و شفقت بر امتش؛ و یا از خشیت الهی می گریست یا هنگام تلاوت قرآن گریه می کرد. 	<p>بکاوه ﷺ</p>	
<ul style="list-style-type: none"> - پیامبر ﷺ روی زمین، منبر و یا شتر، سخنرانی می نمود. - جابر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ می گفت: «وقتی رسول الله ﷺ خطبه می گفت، چشمانش قرمز، صدایش بلند و هیبتش بیشتر می شد؛ گویا خبر از هجوم دشمن می دهد». پیامبر ﷺ همیشه سخنرانی اش را با حمد و ثنائی الله شروع می نمود. - پیامبر ﷺ به وقت نیاز و مصلح مردم، سخنرانی می نمود. 	<p>خطبه ی بی امبر ﷺ</p>	



آزمون دوم

		سؤال:
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	لباس پوشیدن را از سمت راست شروع می‌نمود.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	پیامبر ﷺ بیشتر روی زمین و کنار سفره غذا می‌خورد.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	وقتی به سفر می‌رفت و برمی‌گشت، شبانه نزد خانواده نمی‌رفت و از این کار نهی می‌نمود.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	پیامبر ﷺ گاهی از شدت گرسنگی به شکمش سنگ می‌بست و گاهی سیر می‌خورد.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	رقیه می‌کرد و از کسی رقیه نمی‌خواست
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	اهل و سواس نبود و کارهایی را که اهل و سواس انجام می‌دهند، انجام نمی‌داد.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	بر اساس «توحید» و «تسامح یا آسانگیری» مبعوث شد؛ «شُرک» و «حرام کردن حلال»، متضاد این دو وینبیه <small>رضی الله عنه</small> گوی است.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	پیامبر ﷺ هفت فرزند داشت: چهار پسر و سه دختر
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	همه‌ی فرزندان پیامبر ﷺ از خدیجه <small>رضی الله عنها</small> زاده شدند و از همسر دیگری، فرزند نداشت.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	همه‌ی پسرانش پیش از خود آن بزرگوار درگذشتند.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	علما اتفاق نظر دارند که پیامبر ﷺ هنگام وفاتش، نه همسر داشت: عائشه، حفصه، زینب بنت جحش، أم سلمه، صفیه، أم حبیبه، میمونیه، سوده و جویرییه.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	الله تعالی با جبرئیل، به خدیجه سلام فرستاد و این فضیلت، فقط برای او بود.

		<p>محبوب‌ترین رنگ برای پیامبر ﷺ: <input type="checkbox"/> سفید <input type="checkbox"/> سیاه <input type="checkbox"/> تمامی رنگ‌ها</p> <p>لباس پیامبر ﷺ: <input type="checkbox"/> پشمی نبود <input type="checkbox"/> پنبه‌ای و کتان‌ی بود <input type="checkbox"/> هر لباسی که مقدور بود، می‌پوشید <input type="checkbox"/> ۱ و ۲</p>
--	--	---



لباس پیامبر ﷺ: گران بود با کمترین قیمت بود متعادل بود
 پیامبر ﷺ بسم الله و الحمد لله می گفت: در آغاز غذا در پایان غذا
 آغاز و پایان غذا
 پیامبر ﷺ بیشتر در حالت می نوشید: نشسته ایستاده هر دو
 پیامبر ﷺ فرمود: «در دنیای شما، را دوست دارم»: زنان عطر هر دو
 پیامبر ﷺ می گفت: «نور چشم و شادی من، در... است»: بهشت نماز هر دو
 پیامبر ﷺ با همسرانش ... بود: خوش مشرب خوش اخلاق هر دو
 انس رَضِيَ اللهُ عَنْهُ می گفت: «پیامبر ﷺ در کوتاه کردن سبیل و ناخن، برایمان وقت تعیین نمود که بیشتر از (.....) نباشد»: سی چهل پنجاه
 پیامبر ﷺ در تراشیدن سر: بخشی را می تراشید و برخی را نمی تراشید یا همه را می تراشید یا هیچ جای سر را نمی تراشید.
 پیامبر ﷺ مسواک را دوست داشت و در حال ... مسواک می زد: غیرروزه روزه هر دو
 خنده ی پیامبر ﷺ: همیشه لبخند بود در بالاترین حالت، لبخند بود.
 بعثت پیامبر ﷺ به سوی بود: همه ی مردم ثقلین اعم از جن و انس
 برترین دخترانش: همه ی دخترانش فاطمه زینب
 تنها در بستر این بانو بود که بر پیامبر ﷺ وحی شد: حفصه ام سلمه عائشه

بیمار را	بیوه، نیازمند و ناتوان را در نیازهایشان	دعوت را	جنازه را	پیامبر ﷺ:
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	عیادت می نمود
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تشییع می نمود
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	می پذیرفت
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	همراهی می کرد





پیامبر ﷺ خودش:	گوسفندش را	وسایل ساخت مسجد را	لباسش را	کفشش را	خانواده اش را
می پوشید	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
وصبه میزد	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
می دوشید	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
کمک می نمود	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
می برد	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

از فطرت انسان:	ناخن ها	موی زیر بغل	موی زیر شکم	ریش	سبیل
کوتاه کردن	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
انبوه کردن	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
چیدن	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
زدودن	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
تراشیدن	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

رفتار پیامبر ﷺ در خوراک:	غذایی که نیست	آن را می خورد	بدون حرام دانستن	غذایی حاضر
پس نمی زد	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
مجبور نمی کرد	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
هر چیز پاکی نزدش می آوردند	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
فقط خود را باز می داشت	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>





سه انگشت	با پنج انگشت	یک انگشت	الأكله	وقتی تمام می شد	پیامبر ﷺ:
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	با... غذا می خورد
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	می لیسید
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	وهو أشرف ما يكون من
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	متکبر با... می خورد
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	گرسنه با... می خورد



ویژگی های پی امبر ﷺ

<p>ابن قیم <small>رحمته الله</small> می گوید: (وی هم یکتاپرست بود و هم راست کردار؛ یکتاپرست در توحید و درست در اخلاق؛ یعنی: شرک نمی کرد و حلالی را حرام نمی نمود).</p>	<p>با یک تاپرستی و بدون انحراف مبعوث نشد</p>
<p>پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> فرمود: «هر پیامبری، فقط برای قوم خودش فرستاده می شد؛ و من برای همه می مردم فرستاده شدم».</p>	<p>انس فرستاده شدم برای جن و</p>
<p>الله <small>صلی الله علیه و آله</small> فرمود: ﴿لَرَكَّبْنَا أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿١﴾﴾ [ابراهیم]. الف لام راء؛ کتابی است که آنرا به سویی تو نازل کردیم تا مردم را به فرمان پروردگارشان، از تاریک ها به سویی روشنای برون آوری؛ به سویی راه شکست ناپذیر ستوده</p>	<p>کتاب و دعوت او</p>
<p>بزرگترین معجزه می پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> قرآن است، هر معجزه ای که به هر پیامبر و فرستاده ای پیش از او داده شده، بخشی از آن به پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> داده شد.</p>	<p>معجزاتش</p>
<p>پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> فرمود: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَلَدِهِ وَوَالِدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» زمانی ایمان می آورید که من برای شما، از فرزند و پدر و مردم، محبوبتر باشم.</p>	<p>دوست داشتن او، جزو دین است</p>
<p>کسیکه از او سرپیچی کند، دچار کفر اکبر است؛ الله <small>صلی الله علیه و آله</small> فرمود: ﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ قطعاً دشمن تو، ناقص است.</p>	<p>سرکشی از او</p>
<p>پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> فرمود: «الله، مرا به عنوان خلیل برگزید؛ همانطور که ابراهیم را به عنوان خلیل برگزید».</p>	<p>خلیل</p>

برخی ویژگی های پی امبر ﷺ



<p>پیامبر اولو العزم</p>	<p>الله ﷻ فرمود: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ﴾ [الأحزاب: ۷] و زمانی که از پیامبران و از تو و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم، پیمان گرفتیم.</p>
<p>علمش</p>	<p>پیامبر ﷻ فرمود: «من از شما به الله داناتم»، الله ﷻ به پیامبرش فرمود: ﴿قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ﴾ [الأنعام: ۵۰]. بگو به شما نمی گویم گنجینه های خدا نزد من است و غیب نیز نمی دانم و به شما نمی گویم که من فرشته ام.</p>
<p>حکام مطایع و مخاضش</p>	<p>الله ﷻ فرمود: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾ [آل عمران: ۳۱] بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا دوستان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشد و خداوند آمرزنده مهربان است. ﴿وَلَا تَهْتَفُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: ۱۳۹] و اگر مؤمنید، سستی نکنید و غمگین نشوید که شما برترید. پیامبر ﷻ فرمود: «همگی وارد بهشت می شوید؛ مگر کسانی که نخواهند». پرسیدند: ای رسول الله! چه کسی نمی خواهد؟ گفت: «کسی که از من فرمانبرداری کند، وارد بهشت می شود و کسی که سرپیچی کند، نمی خواهد» و فرمود: کسی که از فرمان من سرپیچی کند، خوار و حقیر می شود.</p>
<p>امت محمد ﷺ</p>	<p>الله ﷻ فرمود: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ [آل عمران: ۱۱۰] شما بهترین امتی هستید که برای مردم امید؛ به کار خوب فرمان می دهید و از کار بد باز می دارید و به الله ایمان دارید. ﷺ: «سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، امید دارم که بیشترین بهشتیان باشید».</p>
	<p>سرزمین پیامبر ﷺ مکه بود؛ الله ﷻ فرمود: ﴿إِنْ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ﴾ [۱۶] فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ</p>

برخی ویژگی های پیامبر ﷺ





﴿آل عمران﴾ [۱۷].

نخستین خانه‌ای که برای مردم نهاده شده، همان است که در مکه است و مبارك و برای جهانیان، هدایتگر است؛ در آن نشانه‌هایی روشن است؛ مقام ابراهیم است و هر کس واردش شود، در امان است و حج آن خانه، برای الله، بر عهده‌ی مردم است؛ کسی که بتواند به‌سوی آن راه یابد و هر کس کفر ورزد، قطعاً الله از جهانیان بی‌نیاز است.

مکه، سرزمین حرام و باحرمتی است؛ پیامبر ﷺ فرمود: «الله در روز آفرینش آسمان و زمین، این سرزمین را باحرمت و حرام نمود؛ پس بنا بر حرمت الله، حرام است» مکه تا روز رستاخیز، سرزمین مسلمانان است. پیامبر ﷺ فرمود: «بعد از فتح مکه، هجرت از مکه صورت نمی‌گیرد».

قبله‌ی پیامبر ﷺ کعبه است. پیش از آن، بیت المقدس بود؛ پس الله ﷻ فرمود: ﴿قَدْ زَرَىٰ تَقَلَّبَ وَجْهَكَ فِي السَّمَآٰءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوْا وُجُوْهُكُمْ شَطْرَهُ﴾ [بقره: ۱۴۴]. گردانیدن رویت در آسمان را کامل می‌بینیم؛ پس تو را به قبله‌ای که خوشنود شوی، بگردانیم. پس رویت را به مسجد الحرام کن و هر جا بودید، رویتان را به آن بگردانید.

مسجد الحرام، نخستین مسجد روی زمین است. ابو ذر رضی الله عنه گفت: «از رسول الله ﷺ درباره‌ی اولین مسجد زمین پرسیدم؛ گفت: مسجد الحرام است».

پیامبر ﷺ فرمود: «هر کس به کعبه بیاید و همبستری و بدی نکند، مانند روزی که از مادر متولد شده، بازمی‌گردد».

پیامبر ﷺ فرمود: «یک نماز در مسجد الحرام، برابر با یکصد هزار نماز، یک نماز در مسجد من، برابر هزار نماز، و یک نماز در بیت المقدس، برابر پانصد نماز است».

و فرمود: «بار سفر، فقط برای سه مسجد بسته می‌شود: مسجد الحرام، مسجد من و مسجد الأقصى».

و نیز فرمود: «هنگام قضای حاجت، رو یا پشت به قبله نکنید؛ به سمت شرق یا غرب باشید».





خوشان و همسران پی امیر

[۲] زینب <small>رضی الله عنها</small>	[۱] قاسم (کنیهی پیامبر ﷺ از اوست).	فرزندان پی امیر <small>رضی الله عنه</small>		
[۴] أم كلثوم <small>رضی الله عنها</small>	[۳] رقیة <small>رضی الله عنها</small>			
[۶] عبد الله (ملقب به طیب و طاهر).	[۵] فاطمة <small>رضی الله عنها</small>			
[۷] ابراهیم؛ فرزند ماریه است و بقیه ی فرزندان، همگی از خدیجه <small>رضی الله عنها</small> هستند.				
همه ی فرزندان پیامبر <small>رضی الله عنه</small> به جز فاطمه <small>رضی الله عنها</small> ، پیش از خود ایشان فاطمه <small>رضی الله عنها</small> شش ماه پس از رسول الله ﷺ وفات نمود؛ پس الله متعال او را به خاطر صبر و رفتار پسندیده اش، بر زنان جهان برتری بخشید؛ وی بهترین دختر رسول الله ﷺ بود.				
[۲] عباس <small>رضی الله عنه</small>	[۱] سید الشهداء حمزه <small>رضی الله عنه</small>		عموهای پی امیر <small>رضی الله عنه</small>	
[۴] أبو لهب (نامش: عبد العزی)	[۳] أبو طالب (نامش: عبد مناف)			
[۸] ضرار	[۷] مقوم	[۶] عبد الكعبه		[۵] زبیر
[۱۱] عیذاق (نامش: مُصعب)	[۱۰] مُغیره (لقبش: حجل)	[۹] قثم		
فقط حمزه و عباس <small>رضی الله عنهما</small> ایمان آوردند.				



[۲] أم حكيم البيضاء	[۱] صفیّه (مادر زبیر بن عوّام رَضِيَ اللهُ عَنْهُ)			عمه‌ها	
[۶] أمیمه	[۵] أروى	[۴] بَرّه	[۳] عاتکه		
<p>ح: حفصه بنت عمر بن خطاب رَضِيَ اللهُ عَنْهُ. ج: جویریة دختر بنت حارث رَضِيَ اللهُ عَنْهُ. ز: زینب بنت جحش رَضِيَ اللهُ عَنْهَا و زینب بنت خزیمه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا.</p>				ب.و.	همسران پیامبر ﷺ:
<p>ص: صفیّه بنت حُیّ بن أخطب رَضِيَ اللهُ عَنْهُ. خ: خدیجه بنت خویلد رَضِيَ اللهُ عَنْهَا. ر: رمله بنت ابی سفیان رَضِيَ اللهُ عَنْهَا (أم حبیبه).</p>				ص.خ.ر.	
<p>س: سوده بنت زمعه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا. م: میمونه بنت حارث رَضِيَ اللهُ عَنْهَا. ع: عائشه بنت ابی بکر رَضِيَ اللهُ عَنْهَا. هـ: هند بنت أبی أمیه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا (أم سلمه).</p>				سمعه	
<p>نخستین همسر پیامبر ﷺ خدیجه بنت خویلد قریشی اسدی رَضِيَ اللهُ عَنْهَا بود؛ چهل ساله بود که پیامبر ﷺ پیش از پیامبر شدن با او ازدواج کرد و تا زمان وفات او، با کسی دیگر ازدواج نفرمود. همه‌ی فرزندان، به جز ابراهیم، از این همسرش بودند. وی پیامبر ﷺ را در ماجرای انتخابش به پیامبری، پوشانید، همراه با او تلاش نمود و با مال و جانش ایشان را یاری نمود؛ الله تعالی با جبرئیل رَضِيَ اللهُ عَنْهُ به او سلام فرستاد؛ این فضیلت، فقط نصیب خدیجه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا شد؛ وی سه سال پیش از هجرت، وفات نمود.</p>					خدیجه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا
<p>پیامبر ﷺ چند روز پس از وفات خدیجه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا با سوده بنت زمعه قریشی رَضِيَ اللهُ عَنْهَا ازدواج نمود؛ وی همان کسی بود که نوبتش را به عایشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا بخشید.</p>					سوده



<p>سپس پیامبر ﷺ با عایشه صدیقه دختر صدیق، ازدواج نمود؛ در ماجرای افک، بی گناهی اش از سوی الله اعلام شد، همسر دوست داشتنی رسول الله ﷺ بود، پیش از ازدواج، فرشته او را در ابریشمی نزد پیامبر ﷺ آورد و گفت: «این همسر توست» در ماه شوال که شش ساله بود، عقد نمود؛ در شوال سال اول هجری که نه سال داشت، ازدواج نمود، تنها همسر باکره‌ای پیامبر ﷺ بود، فقط در رخنخواب بر پیامبر ﷺ وحی نازل شد، محبوب‌ترین فرد نزد رسول الله ﷺ بود، علما اتفاق نظر دارند که هر کس به او تهمت زنا بزند، کافر است، فقیه‌ترین و داناترین همسر پیامبر ﷺ و تمامی زنان امت بود، اصحاب بزرگوار ﷺ، به دیدگاه و فتوای او مراجعه می‌کنند.</p>	<p>عایشه رضی الله عنها</p>
<p>پیامبر ﷺ سپس با حفصه بنت عمر بن خطاب رضی الله عنها ازدواج نمود؛ او و همسر نخستش خنیس بن حذافه سهمی رضی الله عنه مسلمان شدند و به مدینه هجرت نمودند؛ خنیس رضی الله عنه پس از غزوه‌ای احد وفات نمود؛ پس او با رسول الله ﷺ ازدواج نمود.</p>	<p>حفصه رضی الله عنها</p>
<p>سپس با زینب بنت خزیم بن حارث قیسی رضی الله عنها از بنی هلال بن عامر، ازدواج نمود؛ زینب رضی الله عنها دو ماه پس از ازدواج، وفات نمود؛ لقبش امّ المساکین بود.</p>	<p>زینب بنت رضی الله عنها</p>
<p>سپس با امّ سلمة رضی الله عنها، هند بنت ابی امیة قریشی مخزومی ازدواج فرمود. نام ابی امیة: حذیفه بن معیرة است؛ وی آخرین همسر پیامبر ﷺ بود که پیش از وفات ایشان از دنیا رفت؛ وی در سال شصت و دو هجری وفات یافت.</p>	<p>امّ سلمه رضی الله عنها</p>
<p>سپس پیامبر ﷺ با جویریة بنت حارث بن ابی ضرار مصطلقی رضی الله عنها ازدواج نمود؛ وی از اسیران بنی مصطلق بود؛ وی نزد پیامبر ﷺ آمد و از او برای آزادی خود کمک خواست؛ پیامبر نیز او را خرید، آزاد نمود و با او ازدواج کرد.</p>	<p>جویریة رضی الله عنها</p>





<p>زینب بنت جحش <small>رضی اللہ عنہا</small></p>	<p>سپس با زینب بنت جحش <small>رضی اللہ عنہا</small> از بنی اسد بن خزیمه ازدواج نمود؛ وی دختر عمه‌ی پیامبر <small>صلی اللہ علیہ وسلم</small>، یعنی اُمیمه، بود؛ الله تعالی درباره‌اش فرمود: ﴿فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا﴾ [الأحزاب: ۳۷] (پس وقتی زید از آن زن کام گرفت، وی را به ازدواج تو درآوردیم.) وی با این آیه، نسبت به دیگر همسران پیامبر <small>صلی اللہ علیہ وسلم</small> احساس افتخار می‌کرد و می‌گفت: «شما را خانواده‌هایتان به ازدواجش درآوردند و مرا الله از بالای هفت آسمان به ازدواج او درآورد.»</p> <p>از اختصاصاتش این بود که الله <small>صلی اللہ علیہ وسلم</small> از بالای آسمان‌ها، وکیل ازدواجش با پیامبر <small>صلی اللہ علیہ وسلم</small> بود. وی در آغاز خلافت عمر بن خطاب <small>رضی اللہ عنہ</small> وفات یافت؛ نخست با زید بن حارثه <small>رضی اللہ عنہ</small> ازدواج کرد؛ پیامبر <small>صلی اللہ علیہ وسلم</small> زید را پسرخوانده‌اش نمود؛ وقتی زید طلاقش داد، الله تعالی او را به ازدواج فرستاده‌اش در آورد تا امتش به تقلید از وی، بتوانند با همسر پسرخوانده ازدواج کنند.</p>
<p>ام حبیبه <small>رضی اللہ عنہا</small></p>	<p>سپس با ام حبیبه <small>رضی اللہ عنہا</small> ازدواج نمود؛ نامش رمله بنت ابی سفیان صخر بن حرب قریشی اموی بود؛ وقتی به حبشه هجرت نمود، پیامبر <small>صلی اللہ علیہ وسلم</small> با او ازدواج فرمود. نجاشی ۴۰۰ دینار مهریه‌اش را داد و او را رهسپار نمود؛ وی در دوران خلافت برادرش معاویه <small>رضی اللہ عنہ</small> وفات نمود.</p>
<p>صفیه <small>رضی اللہ عنہا</small></p>	<p>پیامبر <small>صلی اللہ علیہ وسلم</small> سپس با صفیه بنت حیی بن اخطب ازدواج نمود؛ وی بزرگوار <small>رضی اللہ عنہ</small> قوم بنی نضیر از نسل هارون بن عمران برادر موسی بود؛ صفیه <small>رضی اللہ عنہا</small> نواده‌ی یک پیامبر و همسر یک پیامبر و از زیباترین زنان جهان بود. پیامبر <small>صلی اللہ علیہ وسلم</small> کنیزی داشت که او را به عنوان مهریه‌ی صفیه، آزاد نمود و این کار، سنت شد.</p>
<p>میمونه</p>	<p>سپس پیامبر <small>صلی اللہ علیہ وسلم</small> با میمونَه بنت حارث هلالی <small>رضی اللہ عنہا</small> ازدواج نمود؛ وی آخرین همسر پیامبر <small>صلی اللہ علیہ وسلم</small> بود؛ پیامبر <small>صلی اللہ علیہ وسلم</small> بعد از عمره‌ی قضا، در مکه با او ازدواج نمود.</p>
<p>علما اتفاق نظر دارند که پیامبر <small>صلی اللہ علیہ وسلم</small> هنگام وفاتش، نه همسر داشت؛ نخستین همسری که پس از وفاتشان از دنیا رفت، زینب بنت <small>رضی اللہ عنہا</small> در سال ۴۰ هجری و آخرینشان ام سلمه <small>رضی اللہ عنہا</small> در سال ۶۲ هجری دوران خلافت یزید بن معاویه بود.</p>	





بخش دوم:

سیرت پیامبر ﷺ



باب اول: پیش از بعثت

<p>پیامبر ﷺ در عام الفیل در مکه، روز دوم ربیع الأول و سال ۵۳ پیش از هجرت (۵۷۱ م)، متولد شد. الله ﷻ ماجرای اصحاب فیل را رقم زد و آنرا هدیه و ارمغانی برای پیامبرش ﷺ خانه‌اش قرار داد.</p>	تولد پیامبر
<p>عبدالله بن عبدالمطلب، محمد ﷺ که در شکم مادر بود، وی وفات یافت و او یتیم زاده شد.</p>	پدر
<p>آمنه بنت وهب از بنی زهره؛ پیامبر ﷺ هنوز هفت سال نداشت که مادرش وفات</p>	مادر
<p>پس از وفات مادر، پدر بزرگوار ﷺ محمد ﷺ، عبدالمطلب، سرپرستی ایشان را عهده‌دار شد. پیامبر ﷺ حدود هشت سال داشت که او وفات نمود عمویش أبو طالب (عبدمناف) سرپرستش شد.</p>	سرپرستی
<p>وی مولای ابو لهب بود که ابو سلمه پیامبر ﷺ را به همراه عبدالله بن عبدالأسد مخزومی رقیب ﷺ و پسر خودش مسروح، شیر داد؛ همچنین عموی ایشان حمزة بن عبدالمطلب رقیب ﷺ را نیز با آن دو شیر داد.</p>	ثویبه
<p>پیامبر ﷺ را از شیر پسرش عبدالله شیر داد که برادر آنیسه و جذامه (شیماء) فرزندان حارث بن عبدالعزی بن رفاعه سعیدی بودند؛ وی ابو سفیان بن حارث بن عبدالمطلب رقیب ﷺ را همزمان شیر می‌داد.</p>	حلیمة سعیدی
<p style="text-align: center;">مادرش آمنه</p>	زنای که پیامبر ﷺ را شیری
<p style="text-align: center;">حلیمة بنت ابي ذؤيب سعدي</p>	دای‌های پیامبر
<p style="text-align: center;">ثویبه مولای ابو لهب</p>	شیماء
<p>دختر حلیمه سعیدیه و خواهر رضاعی پیامبر ﷺ؛ وی با گروهی از هوازن، نزد پیامبر ﷺ آمد؛ پس ردای مبارکشان را برایش پهن نمود و برای ادای حقش، او را بر آن نشانید.</p>	شیماء



<p>ام آیهن</p>	<p>دایه‌های پیامبر ﷺ</p>	<p>بركة حبشی <small>رضی اللہ عنہا</small>؛ پیامبر <small>ﷺ</small> او را از پدر خود به ارث برد و دایه‌اش بود. پیامبر <small>ﷺ</small> او را به ازدواج زید بن حارثه <small>رضی اللہ عنہ</small> در آورد و أسامة بن زید <small>رضی اللہ عنہ</small> را به دنیا آورد. پس از وفات پیامبر <small>ﷺ</small>، ابو بکر و عمر <small>رضی اللہ عنہما</small> نزدش رفتند؛ او گریه می‌کرد؛ آن دو گفتند: چرا می‌گریی؟ آن چه نزد الله است، برای رسول الله <small>ﷺ</small> بهتر است؛ وی گفت: می‌دانم که پاداش الله برای رسول الله <small>ﷺ</small> بهتر است و رسول الله <small>ﷺ</small> به چیزی که برایش بهتر بود پیوست؛ اما از این می‌گریم که وحی از آسمان، قطع شد! وی آن دو را نیز به گریه انداخت و هر سه می‌گریستند.</p>
<p>کار پیامبر ﷺ</p>	<p>کار پیامبر ﷺ</p>	<p>پیامبر <small>ﷺ</small> چوپانی نمود؛ این کار موجب صبر او و مهربانی با ضعیفان و مراعات حالشان شد. وی می‌گفت: «الله تعالی هر پیامبری را که فرستاد، چوپانی کرده است» اصحاب پرسیدند: حتی شما؟ فرمود: «آری! من نیز در قراریط، برای اهالی مکه چوپانی کرده‌ام».</p>
<p>ازدواج و تجارت و</p>	<p>ازدواج و تجارت و</p>	<p>وقتی پیامبر <small>ﷺ</small> ۲۵ ساله شد، برای تجارت رهسپار شام شد؛ به بصری که رسید، برگشت و در بازگشتش، با خدیجه بنت خویلد <small>رضی اللہ عنہا</small> برای نخستین بار ازدواج نمود.</p>
<p>ساخت کعبه</p>	<p>ساخت کعبه</p>	<p>پیامبر <small>ﷺ</small> ۳۵ ساله که شد، کعبه فرو ریخت و قریش تصمیم گرفتند که آن را بازسازی کنند؛ هر طایفه، گوشه‌ای را عهده‌دار شد تا به محل حجر الأسود رسید؛ آنان در نصب آن، دچار اختلاف شدند؛ چهار یا پنج شبانه‌روز گذشت و در نهایت قرار شد نخستین کسی که از دروازه‌ی مسجد وارد می‌شود، میانشان قضاوت کند؛ پیامبر <small>ﷺ</small> نخستین فرد بود؛ دستور داد لباسی بیاورند، سنگ را در آن گذاشتند، هر قبیله، گوشه را برداشت تا به محل سنگ رسیدند؛ پس رسول الله <small>ﷺ</small> با دست خود، حجر الأسود را نصب نمود.</p>
<p>خلوت پیامبر</p>	<p>خلوت پیامبر</p>	<p>عائشه <small>رضی اللہ عنہا</small> می‌گفت: «پیامبر <small>ﷺ</small> خلوت را دوست داشت؛ تنها به غار حراء می‌رفت و چند شبانه‌روز را به عبادت می‌گذراند» بت‌ها و بت پرستی قومش، او را بسیار ناراحت می‌کرد؛ چیزی را از آن بدتر نمی‌دید.</p>



باب دوم: آغاز وحی

رسول الله ﷺ که چهل ساله شد، نور پیامبری در او درخشید و الله تعالی او را در دوشنبه، با مقام رسالت، او را گرامی داشت.

عائشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا می گفت: «نخستین شکل نزول وحی بر رسول الله ﷺ با رویای راستین در خواب بود. پس هر چه را که رسول الله ﷺ در خواب می دید، مانند روشنی صبح، تحقق پیدا می کرد؛ وی خلوت را دوست داشت، در غار حراء خلوت می کرد و پیش از برگشت نزد خانواده و برداشتن توشه، چند شبانه روز را به عبادت می گذراند؛ سپس نزد خدیجه باز می گشت و توشه ای بر می داشت؛ تا این که روزی در غار حراء بود که حقیقت رخ داد؛ فرشته نزدش آمد و گفت: بخوان. گفت: نمی توانم بخوانم. وی فرمود: فرشته مرا در آغوش گرفت و تا جایی که تحمل داشتم، فشرده؛ سپس رها کرد و گفت: بخوان. گفتم: خواندن نمی دانم. برای بار دوم مرا گرفت و تا جایی که توان داشتم، فشرده و سپس رها کرد و گفت: بخوان. گفتم: نمی توانم بخوانم. بار سوم نیز مرا گرفت و فشرده سپس رها کرد و گفت: ﴿أَقْرَأْ بِأَسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۝١ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ۝٢﴾ ﴿أَقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ۝٣﴾ [العلق]. رسول الله ﷺ با آن آیات باز گشت و درحالی که قلبش می لرزید، نزد خدیجه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا رفت و گفت: مرا ببوشانید، مرا ببوشانید. پس او را پوشاندند تا ترس از بدنش رفت؛ حادثه را برای خدیجه تعریف کرد و گفت: از خودم می ترسم. خدیجه گفت: هرگز؛ به الله سوگند که الله تو را خوار نمی کند؛ تو با خویشانت ارتباط داری، مستمند را کمک می کنی، از مهمان پذیرایی می نمایی و در راه حق، مشکلات را تحمل می کنی. سپس خدیجه او را نزد پسر عمیش وَرَقَةَ بْنِ نُوفَلٍ بْنِ أَسَدِ بْنِ عَبْدِ الْعُزَّى برد. وی در عهد جاهلیت، نصرانی بود و انجیل را به زبان عبری می نوشت؛ مردی پیر که نابینا شده بود. خدیجه به او گفت: ای پسر عمو! رخدادی را از برادرزاده ات بشنو؛ ورقه گفت: ای برادرزاده! چه دیده ای؟ رسول الله ﷺ هر چه دیده بود، برایش بیان کرد.



<p>ورقه گفت: این فرشته ائ است که الله بر موسی نازل نمود؛ ائ کاش روزئ که قومت تو را از بیرون می کنند، زنده و جوان باشم. رسول الله ﷺ گفت: آنان مرا بیرون می کنند؟ گفت: آری؛ هر کس چنین پیامی بیاورد، با او دشمنی کنند؛ اگر در روزگارت زنده باشم، تو را با تمام توان یاری می کنم. دیرئ نگذشت که ورقه وفات یافت و وحئ قطع شد. پیامبر ﷺ می فرمود: روزئ راه می رفتم که صدائی از آسمان شنیدم؛ به بالا نگاه کردم؛ فرشته ائ که در حراء نزد آمدن بود، دیدم که بر تختئ میان آسمان و زمین نشسته است. از او ترسیدم، برگشتم و گفتم: مرا بپوشانید، مرا بپوشانید. پس الله تعالی نازل فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ﴿١﴾ قُمْ فَأَنْذِرْ ﴿٢﴾﴾ تآیهئ ﴿وَالرَّجْزَ فَاهْجُرْ ﴿٥﴾﴾ [مدثر].</p>	<p>پیامبر شدن محمد ﷺ</p>
<p>وكانت مبدأ وحیه ﷺ، قالت عائشة رَضِيَ اللهُ عَنْهَا: «فَكَانَ لَا يَرَى رُؤْيَا إِلَّا جَاءَتْ مِثْلَ فَلَقِ الصُّبْحِ».</p>	<p>[١] خواب الصادقة</p>
<p>فرشته در درون و قلب پیامبر ﷺ می آمد. رسول الله ﷺ می فرمود: «روح الأمين در درونم میدید و مرا خبر داد که...».</p>	<p>[٢] به ذهن ورود</p>
<p>پیامبر ﷺ فرمود: «گاهی فرشته مانند یک مرد برایم ظاهر می شد و با من سخن می گفت و می فهمیدم که چه می گوید» صابه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا نیز او را گاه در این حالت می دیدند.</p>	<p>[٣] تغصیر جهره فرشته</p>
<p>پیامبر ﷺ فرمود: «گاهی مانند صدائ زنگ به نزد من می آمد و این سخت ترین شکل برایم بود. صدا که قطع می شود، سخنان را در خاطر من داشتم»، عائشة رَضِيَ اللهُ عَنْهَا می گفت: «در روزئ بسیار سرد، دیدم که وحئ بر او نازل می شود؛ وقتی حالتش تمام می شد، عرق بر پیشانی او می نشست»، گاهی که سواره بود، مرکبش از شدت وحئ، بر زمین می نشست.</p>	<p>[٤] صدای زنگ</p>
<p>بنا بر فرمایش الله تعالی در سورهئ نجم، پیامبر ﷺ جبرئیل را دو بار به شکل اصلی اش دید و وحئ را از او دریافت نمود.</p>	<p>[٥] اصلئ</p>

مراتب وحی



<p>در شب معراج، الله تعالى فرض شدن نماز و برخی دستورات دیگر را از بالای هفت آسمان، به طور مستقیم به فرستاده اش وحی نمود.</p>	<p>مستقیم الله [۶] وحی</p>	<p>مراتب وحی</p>	
<p>الله ﷻ بدون واسطه‌ی فرشته، با فرستاده اش سخن گفت؛ همان گونه که با موسی ﷺ سخن گفت.</p>	<p>با او گفتن الله [۷] سخن</p>		
<p>نخست، پنج آیه‌ی آغازین سوره‌ی علق وحی شد: ﴿أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿١﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿٢﴾ أَقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ﴿٣﴾ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٤﴾ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿٥﴾</p>		<p>آیات وحی نخستین</p>	
<p>[۳] هشدار به قومش</p>	<p>[۲] هشدار به خویشان نزدیک.</p>	<p>[۱] پیامبر شدن</p>	<p>مراتب دعوت پیامبر</p>
<p>[۴] هشدار به آن قومی که هشداردهنده‌ای برایشان نیامده بود؛ یعنی تمامی عرب‌ها.</p>			
<p>[۵] هشدار به تمامی جن‌ها و انسان‌هایی که تا روز رستاخیز، پیامش به آنان</p>			
<p>[۱] دعوت پنهانی: سه سال نخست بعثت.</p>		<p>پیامبر ﷺ مراحل دعوت</p>	
<p>[۲] دعوت آشکار: وقتی الله فرمود: ﴿فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ﴾ [حجر: ۹۴].</p>			
<p>از زنان: خدیجه بنت خویلد.</p>	<p>از مردان: أبو بکر صدیق.</p>		<p>نخستین مؤمنان</p>
<p>از خادمان: زید بن حارثة.</p>	<p>از کودکان: علی بن ابی طالب.</p>		
<p>از بردگان: بلال بن رباح حبشی.</p>			



برخی از نخستین کسانی که بعد از خانواده‌ی پیامبر ﷺ ایمان آوردند، عبارتند از: عثمان بن عفّان، طلحة بن عبید الله، زبیر بن عوّام، سعد بن ابی وقاص، عبد الرحمن بن عوف، خباب بن ارت، صهیب رومی، عمار بن یاسر و مادرش سمیه، ابو عبیده عامر بن جراح، عثمان بن مظعون، ابو سلمة بن عبد الأسد و عتبة بن غزوان رضی الله عنهم أجمعین.



باب سوم: دوران مکه

- وقتی مشرکان، درستی دعوت پیامبر ﷺ و جمعه شدن مردم را پیرامون او دیدند، آنان را به سختی آزار رساندند؛ برای نمونه:
- شایعه کردند که محمد ﷺ جادوگر است؛ تا مردم از او بترسند و دور شوند.
- شایعه کردند که محمد ﷺ دیوانه است؛ تا مردم او را سبک سر پندارند.
- شایعه کردند که محمد ﷺ دروغگوست؛ این ادعا باطل بود؛ زیرا به خاطر راستی و امانت داری، به امین شهرت داشت.
- تمسخر و ریشخند به دعوت رسول الله ﷺ و سخنانش.
- وقتی پیامبر ﷺ برای دعوت مردم می آمد، هیاهو به پا می کردند تا مانع شنیدن وحی و سخنانش شوند.
- هر کس برای عمره یا حج به مکه می آمد، به استقبالش میرفتند و او را از پیامبر ﷺ می ترسانیدند.
- به بدن پیامبر ﷺ آسیب می زدند؛ مانند عقبه بن ابی معیط که آن چنان لباس ایشان را کشید که نزدیک بود خفه شود که ناگاه ابو بکر رضی الله عنه او را دور کرد؛ باری شکمبه ای شتر بر پشتش انداختند که دخترش فاطمه رضی الله عنها آن را برداشت.
- قصد کشتن پیامبر ﷺ را کردند؛ نزد عمویش ابوطالب رفتند و از او خواستند که عماره بن ولید را به جای بردارزاده اش بگیرد تا وی را بکشند. همچنین می خواستند پیامبر ﷺ را در ماجرائی جرتش به قتل رسانند.
- شکنجه ای مؤمنان ناتوان؛ آنان را بسیار شکنجه می کردند؛ سنگ بر شکم بلال گذاشتند و با خانواده ای عمّار بن یاسر رضی الله عنه و برخی دیگر، بسیار بدرفتاری کردند.

آزار مشرکان به پی پیامبر ﷺ و آزارش

مسلمانان که زیاد شدند، کافران ترسیدند و آزارشان را بیشتر کردند؛ پس رسول الله ﷺ فرمان هجرت به حبشه داد و فرمود: «آن جا پادشاهی است که به مردمش ستم نمی کند».

هجرت به حبشه



<p>دوازده مرد و چهار زن، هجرت کردند؛ از آن جمله: عثمان بن عفان <small>رضي الله عنه</small> (نختمین کسی که خارج شد) و همسرش رقیة بنت رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>. آنان در حبشه، در وضعیتی خوبی به سر می بردند. به آنان خبر رسید که قریش، اسلام را پذیرفته است؛ اما دروغ بود. پس به مکه بازگشتند؛ وقتی دیدند شرایط بسیار دشوار است، هر کدامشان که توانست، برگشت. برخی مانند عبدالله بن مسعود <small>رضي الله عنه</small> وارد مکه شدند و از قریش آزار زیادی دیدند.</p>	<p>بار نخست</p>	<p>هجرت به حبشه</p>
<p>هشتاد و سه مرد و هجده زن هجرت کردند؛ آنان در نزد نجاشی، وضعیت خوبی داشتند. خبر به قریش رسید. پس عمرو بن عاص و عبدالله بن ابي ربيعه را با گروهی فرستادند تا نجاشی را فریب دهند؛ پس الله تعالی، نیرنگشان را به خودشان بازگرداند.</p>	<p>بار دوم</p>	
<p>در سال ششم بعثت، حمزه بن عبدالمطلب <small>رضي الله عنه</small> مسلمان شد؛ وی که عزتمندترین فرد قریش نام داشت، با اسلامش، رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small> عزت یافت. سپس به برکت دعای پیامبر <small>صلى الله عليه وسلم</small>، عمر بن خطاب مسلمان شد و مؤمنان با مسلمان شدن این دو، قدرت یافتند و در برابر قریش ایستادند.</p>		<p>اسلام حمزه و عمر</p>
<p>آزار قریش در حق رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small> شدت یافت؛ برای سه سال، او و خانواده اش ا در شعدر محاصره داشتند. عبدالله بن عباس <small>رضي الله عنه</small> در آن جا متولد شد. کافران آزار و اذیت زیادی در حق پیامبر مرتکب شدند و او در ۴۹ سالگی از محاصره بیرون آمد.</p>		<p>شعب ابوطالب</p>
<p>پس از چند ماه، ابوطالب در سن ۸۷ سالگی وفات یافت. پس اندکی خدیجه <small>رضي الله عنها</small> وفات یافت و آزار و اذیت مشرکان بیشتر شد.</p>	<p>وفات</p>	<p>ابوطالب</p>
<p>پیامبر <small>صلى الله عليه وسلم</small> به همراه زید بن حارثه <small>رضي الله عنه</small> به طائف رفت تا مردم به دعوت دهد؛ چند روزی آن جا ماند؛ اما آنان نپذیرفتند، ایشان را اذیت کردند و بیرون راندند و چنان با سنگ زدند که پاهایش زخمی شد؛ رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small> به مکه برگشت و در امان مُطعم بن عدی وارد مکه شد.</p>		<p>رفتن به طائف</p>



<p>پیامبر ﷺ که از طائف باز می‌گشت، عدّاس نصرانی را ملاقات کرد. او مسلمان شد و سخنان پیامبر ﷺ را پذیرفت.</p>	<p>عدّاس اسلام</p>
<p>در بازگشت از طائف به مکه، در محلی به نام نخلة، هفت جن از قبیله‌ی نصیین نزد پیامبر ﷺ آمدند؛ قرآن را شنیدند و ایمان آوردند.</p>	<p>چنان‌ها ایمان</p>
<p>پیامبر ﷺ شبانه با جسم و روحش، به مسجد الأقصیٰ روانه شد و به بالای آسمان‌ها، به سوی الله ﷻ، بالا رفت. الله متعال با او سخن گفت و نمازها را بر او فرض نمود.</p>	<p>معراج اسراء و</p>
<p>مدتی که پیامبر ﷺ در مکه حضور داشت، قبایل عرب را به الله دعوت می‌داد و به هر بهانه‌ای نزدشان می‌رفت تا پیام پروردگارش را به آنان برساند. اما هیچ قبیله‌ای، دعوتش را نپذیرفت؛ الله تعالی آن را برای گرامیداشت انصار نگاه داشت؛ شش تن از انصار آمدند و پیام الله و فرستاده‌اش را پذیرفتند، سپس به مدینه بازگشتند و قومشان را به اسلام فراخواندند تا این که اسلام در میانشان منتشر شد؛ چنان که در هر خانه‌ای، سخن از رسول الله ﷺ بود.</p>	<p>عرضه اسلام به قبایل</p>
<p>در سال بعد، دوازده نفر از انصار به مکه آمدند؛ از آن جمله پنج نفر از شش مسلمان پیشتاز بودند. در عقبه با رسول الله ﷺ بیعت کردند. بیعتی درباره‌ی زنان که در سوره‌ی ممتحنة آمده است. سپس به مدینه برگشتند.</p>	<p>بیعت نخست انصار رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ و بیعت عقبه</p>
<p>سال بعد، ۷۳ مرد و دوزن که جزو پیمان عقبه بودند، آمدند. با رسول الله ﷺ بیعت نمودند که هم‌چون زنان و فرزندان خودشان، از پیامبر ﷺ دفاع نمایند. رسول الله ﷺ از میانشان دوازده امیر و سرپرست برگزید.</p>	<p>بیعت دوم</p>



باب چهارم: دوران مدینه

<p>رسول الله ﷺ به اصحابش ﷺ اجازه داد تا به مدینه هجرت نمایند؛ پس پنهانی روانه شدند؛ گفته‌اند که نخستین مهاجر، ابو سلمة بن عبد الأسد مخزومی یا مُضْعَب بن عُمَيْر بوده است. انصار آنها را به خانه‌هایشان بردند و پناه دادند و یاری نمودند و اسلام این گونه در مدینه منتشر شد.</p> <p>سپس فرمان هجرت به رسول الله ﷺ داده شد؛ وی در ۵۳ سالگی، همراه با ابوبکر و خادمش عامر بن فُهَيْرَه هجرت نمود. راهنمای آنها، عبدالله بن اُرَيْقَط اللَّيْثِي بود. او و ابوبکر وارد غار ثور شدند و سه روز آن جا ماندند. سپس راه ساحل را در پیش گرفتند.</p>	<p>فرمان هجرت</p>
<p>پیامبر ﷺ و همراهش در دوشنبه که ۱۲ روز از ربیع الأول گذشته بود، به قباء در بالای مدینه رسیدند و در آن جا ۱۴ روز نزد بنی عَمْرٍو بن عَوْف ماندند.</p>	<p>وَرُودِ بِنِيْ اَمِيْرٍ ﷺ بَهْ مَدِيْنَه</p>
<p>پیامبر ﷺ مسجد قباء را بنا نمود؛ ابن عمر رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا می گفت: «پیامبر ﷺ هر شنبه، پیاده یا سواره، به مسجد قباء می آمد» پیامبر ﷺ فرمود: «نماز در مسجد قباء، مانند عمره است».</p>	<p>نخستین مسجد</p>
<p>پیامبر ﷺ بر شترش نشست و روانه شد، مردم به او می گفتند که نزدشان اقامت کند و افسار شترش را می گرفتند. فرمود: «راهش را باز کنید که او فرمان دارد» شتر در محل امروزی مسجد، بر زمین نشست. جایی که مال دو جوان از بنی نجار به نام سهل و سهیل بود. پیامبر ﷺ نزد ابو ایوب انصاری رَضِيَ اللهُ عَنْهُ اقامت کرد و در همان صحنی که شتر نشست، به دست خود و یارانش مسجدی بنا نمود. پیامبر ﷺ خانه‌ی خود و همسرانش را در کنار مسجد ساخت؛ نزدیکترین خانه به مسجد، خانه‌ی عایشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا بود. پیامبر ﷺ بعد از هفت ماه، از خانه‌ی ابو ایوب رَضِيَ اللهُ عَنْهُ به آن جا رفت.</p>	<p>ساخت مسجد النبی ﷺ</p>



<p>برادری پیمان</p>	<p>پس از بنای مسجد، پیامبر ﷺ میان مهاجران که نود مرد بودند و میان انصار، پیمان برادری برقرار نمود و آنان تا زمان بدر، از یکدیگر ارث می‌بردند.</p>
<p>یهود</p>	<p>پیامبر ﷺ که به مدینه آمد و یهود ایشان را دیدند فهمیدند که او واقعاً فرستاده‌ی الله است و همان کسی است که درباره‌اش در تورات چیزهایی آمده است. با این وجود، تعداد کمی از آنان مسلمان شدند؛ مانند عبد الله بن سلام <small>رضی الله عنه</small> که دانشمند و فقیه یهودی بود. پیامبر ﷺ با قبائل یهودف یعنی بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه پیمان صلح بست.</p>
<p>تغییر قبله</p>	<p>پس از فرض شدن نمازها، پیامبر ﷺ به سمت بیت المقدس نماز می‌خواند. وی دوست داشت که قبله به کعبه تغییر کند. بدین امید، نگاهش را در آسمان می‌گرداند. پس الله متعال نازل فرمود: ﴿قَدْ رَأَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا﴾ پیامبر در سال دوم هجری، قبله‌اش را به کعبه تغییر داد.</p>
<p>فرمان جهاد</p>	<p>پس از این که پیامبر ﷺ در مدینه جای گرفت و انصار <small>رضی الله عنهم</small> مدافع او شدند، الله تعالی فرمود: ﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ﴿٣٩﴾ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَن يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ﴾ [حج] به آنان که جنگ بر آنان تحمیل شد، اجازه‌ی جهاد داده شد؛ زیرا مورد ستم قرار گرفته‌اند و الله بر پیروزی آنان تواناست؛ همان کسانی که به ناحق از خانه‌هایشان بیرون شدند؛ گناهی نداشتند جز این که گفتند: پروردگار ما، الله است.</p>
<p>غزوه بدر</p>	<p>سال دوم هجری، رسول الله ﷺ با سیصد و چند نفر برای گرفتن کاروان تجاری قریش که از شام برمیگشت، حرکت نمود. ابو سفیان راه راهش را تغییر داد. پس شیطان، قریش را فریب داد و آنان برای جنگ با مسلمانان، روانه شدند. دو گروه در بدر به هم رسیدند؛ این غزوه‌ی بدر بزرگ <small>رضی الله عنهم</small> است که یوم الفرقان هم نامیده شد. دو لشکر که به هم رسیدند، رسول الله ﷺ از پروردگارش کمک خواست و از او بسیار خواهش نمود. پس الله تعالی مؤمنان را با فرشتگانش یاری نمود. پس آنان را بر کافران پیروز گرداند و پیام را والا نمود. هفتاد نفر از مشکران کشته شدند و چهارده مرد از مؤمنان، به شهادت رسیدند.</p>



<p>در سال سوم هجری، بنی قینقاع پیمان صلح را شکست؛ پیامبر ﷺ آنان را پانزده شبانه روز محاصره نمود؛ پس حکمشان نازل و آنان را که هفتصد نفر بودند، آزاد نمود.</p>	<p>غزوه قینقاع</p>
<p>غزوه احد در شوال روی داد؛ قریش با سه هزار نفر و برای انتقام کشتگان بدر، روانهٔ مدینه شد. پیامبر ﷺ نیز با هفتصد نفر از یارانش به احد رفتند و منافقان در این میان، پس رفتند. در آغاز روز، پیروزی با مسلمانان بود؛ الله تعالی مسلمانان را آزمود و مشرکان را پیروز نمود تا جایی که به رسول الله ﷺ نزدیک شدند و دندان‌ش را شکستند. در آن روز فرشتگان هم در نبرد شرکت کردند؛ هفتاد نفر از اصحاب <small>رضی الله عنهم</small> از جمله حمزة بن عبد المطلب و مصعب بن عمیر و انس بن نصر و حنظلة الغسیل و برخی دیگر، به شهادت رسیدند. طلحة بن عبید الله در این غزوه، بسیار رشادت نشان داد؛ تا جایی که رسول الله ﷺ فرمود: «بهشت بر طلحه واجب شد» رسول الله ﷺ و مسلمانان به کوه پناه بردند و الله تعالی دست مشرکان را از آنان دور ساخت. روز احد، روز آزمایش بود. الله تعالی در آن روز، مؤمنان را آزمود و منافقان را رسوا نمود و هر کسی را خواست، به مقام شهادت رسانید. پس از غزوه، پیامبر ﷺ با خبر شد که قریش دوباره برای نبرد و نابودی اسلام، حرکت کرده است؛ پس همراه با مؤمنان، از قرح حرکت کرد؛ وقتی مسلمانان به حمراء الأسد رسیدند؛ قریش که با خبر شد، از جنگ کناره گرفت و به مکه بازگشت.</p>	<p>غزوه احد</p>
<p>در سال ۴ هـ واقعهٔ بئر معونه رخ داد؛ در این واقعه، ۷۰ نفر از قاریان شهید شدند. همچنین غزوه بنی نضیر اتفاق افتاد؛ پیامبر ﷺ آنان را محاصره نمود تا این که الله در قلبشان وحشت انداخت و پیامبر ﷺ آنان را از مدینه تبعید نمود؛ سورهٔ حشر در همین باره نازل شد.</p>	<p>سال ۴ هـ</p>
<p>پیامبر ﷺ در سال ۵ هـ برای نبرد با بنی مصطلق روانه شد و پیروز بازگشت. در همین ماجرا بود که حکم تیمم صادر شد و حادثهٔ ای افک نیز رخ داد؛ در این حادثه</p>	<p>غزوه</p>





مزیسیع	<p>مناققان به مادرمان عائشه <small>رضی اللہ عنہا</small> طاهره مطہرہ، تہمت زنا زدند؛ وضعیت برای او و رسول اللہ <small>صلی اللہ علیہ وسلم</small> بسیار سخت شد؛ تا این کہ اللہ تعالیٰ بیگناهی او را در سورہی نور نازل نمود و تہمت زندهہ شلاق خوردند.</p>
غزوه احزاب	<p>در شوال سال ۵ هـ غزوه خندق (احزاب) روی داد. یهود برای نبرد با پیامبر <small>صلی اللہ علیہ وسلم</small> و یارانہ، با قریش و دیگر دشمنان اسلام ہم پیمان شدند. سپاہی دہ ہزار نفری از قریش، بنی سلیم، بنی اسد، فزارہ، أشجع و دیگران، شکل گرفت و بہ سوئی مدینہ حرکت کردند.</p> <p>سلمان فارسی بہ پیامبر <small>صلی اللہ علیہ وسلم</small> پیشنهاد داد تا برای در امان ماندن از دشمن، خندق حفر کنند. رسول اللہ <small>صلی اللہ علیہ وسلم</small> با سہ ہزار نفر حرکت کرد و در کوه سلع جای گرفت؛ در مقابلش دستور حفر خندق داد. از ہمی پیمانانش در بنی قریظہ درخواست امان کرد؛ بہ جز از کسانی کہ پیمان شکستند و با سپاہ احزاب ہمراہ شدند. پیامبر <small>صلی اللہ علیہ وسلم</small> نعیم بن مسعود <small>رضی اللہ عنہ</small> را نزد آنان و احزاب فرستاد تا میانشان اختلاف انداخت و اللہ تعالیٰ بہ باد فرمان داد تا بر احزاب بوزد، خیمہ ہایشان را بر کند و دیگ ہایشان را وارونہ سازد؛ طوفان، آنان را سست گردانید و در دلشان وحشت انداخت؛ پس بہ ناچار باز گشتند.</p> <p>پیامبر <small>صلی اللہ علیہ وسلم</small> بہ سوئی بنی قریظہ حرکت کرد و سعد بن معاذ <small>رضی اللہ عنہ</small> را بہ عنوان حکم و داور، بہ میانشان فرستاد.</p> <p>سورہی احزاب دربارہی ہمین غزوه نازل شد.</p>
صلح حدیبیہ	<p>پیامبر <small>صلی اللہ علیہ وسلم</small> در سال ۶ هـ بہ ہمراہ ہزار و چہار صد نفر از یارانہ برای عمرہ حرکت نمود. بہ حدیبیہ کہ رسیدند، قریش مانع ورودشان بہ مکہ شد؛ پس پیمان بستند کہ دہ سال نبردی انجام نشود. بنا بہ فرمایش اللہ تعالیٰ: ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا﴾ [فتح] این یک پیروزی برای مسلمانان بود.</p> <p>در این پیمان، قریش بہ مسلمانان اجازه داد کہ سال بعد، برای عمرہ بہ مکہ بیایند. عمرہ قضاء در ذی قعدہ سال ۷ هـ انجام شد.</p>
غزوه	<p>پیامبر <small>صلی اللہ علیہ وسلم</small> ۴۰ روز پس از صلح حدیبیہ، بہ سمت خیبر در شمال مدینہ رفت و آنان را نزدیک بہ ۴۰ شبانہ روز محاصره کرد. مسلمانان در آن جا بسیار بہ سختی افتادند؛</p>





غزوه خيبر	<p>يهود که دیدند در حال نابودی هستند، از پیامبر ﷺ خواستند صلح کنند؛ پس بدین قرار مصالحه کردند که جان ساکنان قلعه محفوظ باشد و در مقابل باید یهود از آن سرزمین بروند و تمام اموالشان را برای مسلمانان برجای گذارند.</p>
آمدن جعفر	<p>پیامبر ﷺ که در خیبر بود، ابوهریره <small>رضی الله عنه</small> مسلمان شد و به مدینه آمد؛ همچنین جعفر بن ابی طالب پسر عموی پیامبر ﷺ و همراهانش از حبشه رسیدند و به رسول الله ﷺ پیوستند. ابو موسی اشعری و یارانش <small>رضی الله عنهم</small> هم به آنان پیوستند.</p>
غزوه مؤته	<p>غزوه مؤته در سال ۸ هـ رخ داد؛ شرحبیل بن عمرو غسانی فرستاده‌ی رسول الله ﷺ به پادشاه روم را کشت؛ پس پیامبر ﷺ سه هزار نفر از یارانش را روانه ساخت و پسرخوانده‌اش زید بن حارثه <small>رضی الله عنه</small> را فرمانده نمود و فرمود: «اگر زید شهید شد، جعفر بن ابی طالب امیر باشد و اگر جعفر شهید شد، عبدالله بن رواحه باشد.» هرقل و دویست هزار از دوستان عربش، حرکت کردند؛ دو سپاه، در مؤته به هم رسیدند و نبرد رخ داد؛ فرماندهان پیامبر ﷺ شهید شدند و خالد بن ولید <small>رضی الله عنه</small> پرچ اسلام را گرفت؛ وی به خوبی فرماندهی نمود و مسلمانان را از دشمنان الله و دشمنان مسلمانان، نجات داد.</p>
فتح بزرگ مکه	<p>در همان سال، بنو بکر که هم‌پیمان قریش بودند، بر خزاعه که هم‌پیمان پیامبر ﷺ بودند، حمله بردند؛ قریش هم آنان را مخفیانه یاری کرد؛ وقتی خبر به پیامبر ﷺ رسید، تصمیم گرفت ه مکه را فتح کند. ابو سفیان به مدینه آمد تا با پیامبر ﷺ صحبت کند؛ اما سخنی از او نشنید؛ پس با ابوبکر و عمر و علی صحبت کرد تا با پیامبر ﷺ سخن بگویند؛ آن‌ها نپذیرفتند. پیامبر ﷺ از الله خواست تا قریش را از آمدن مسلمانان به مکه، غافل نماید؛ الله متعال نیز درخواستش را پذیرفت و پیامبر ﷺ با ده هزار نفر به مکه روانه شد. اندکی پیش از فتح مکه، عباس بن عبد المطلب <small>رضی الله عنه</small> عموی پیامبر ﷺ مسلمان شد. از سخنان پیامبر ﷺ در فتح مکه است: «کسی که وارد خانه‌ی ابو سفیان شود، در امان است؛ کسی که وارد مسجد شود، در امان است؛ کسی که درب خانه‌اش را ببندد، در امان است.» پیامبر ﷺ تنها با کسانی می‌ج‌نگید که جنگش آمدند؛ کسانی که پیامبر ﷺ و مسلمانان را آزار و شکنجه دادند، خونشان ریخته شد.</p>



<p>وقتی پیامبر ﷺ وارد مکه شد، بدون احرام بر پیرامون کعبه گشت؛ سپس عثمان بن طلحه را خواست، کلید کعبه را از او گرفت و هر بتی که در کعبه یا اطرافش بود، از بین برد؛ سپس کلید را به عثمان بن طلحه بازگرداند.</p> <p>پس از فتح مکه، مردم زیادی اسلام آوردند و قبایل، گروه گروه نزد پیامبر ﷺ آمدند و مسلمان شدند.</p>	<p>فتح بزرگ مکه</p>
<p>الله که مکه را برای مسلمانان فتح نمود، پیامبر ﷺ یارانش را برای شکستن بت‌های اطراف مکه روانه نمود؛ عمرو بن عاص رَضِيَ اللهُ عَنْهُ را برای سُواع، سعد بن زید رَضِيَ اللهُ عَنْهُ را برای منات، خالد بن ولید رَضِيَ اللهُ عَنْهُ را برای عُزَی، طُفَیل رَضِيَ اللهُ عَنْهُ را برای ذو الکفَین و علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ را برای بت طیء فرستاد.</p>	<p>نابودی بت‌ها</p>
<p>هوازن که خبر فتح مکه را شنیدند، برای نبرد با رسول الله ﷺ گرد آمدند؛ آن‌ها با اموال و زنان و فرزندانشان روانه شدند؛ پیامبر ﷺ با ۱۲ هزار نفر حرکت نمود؛ مسلمانان از تعداد زیاد خود دچار غرور شدند؛ به سرزمین حنین که رسیدند، هوازن به سختی بر آنان حمله برد؛ تا جایی که از شدت ترس، از اطراف پیامبر ﷺ پراکنده شدند و فقط تعدادی از مهاجران و خانواده‌اش ماندند؛ الله تعالی مؤمنان را استوار نمود و آنان به نزد پیامبر ﷺ بازگشتند و جنگیدند تا این که الله آن‌ها را پیروز گرداند و هوازن به طائف گریختند.</p> <p>چهارده نفر از سران هوازن نزد پیامبر ﷺ آمدند و درخواست آزادی اسیرانشان را نمودند.</p>	<p>غزوه حنین</p>
<p>کار هوازن که یکسره شد، پیامبر ﷺ به سوی طائف حرکت نمود و آن‌جا را هجده روز محاصره کرد؛ سپس پیامبر ﷺ و نبردی رخ نداد.</p>	<p>طائف غزوه</p>
<p>در سال ۹ هـ غزوه‌ی تبوک (غزوة العُسرة) رخ داد؛ روزهای بسیار گرم و زمان میوه‌ها بود. رفتن برای نبرد، برای مردم دشوار و سخت شد؛ وقتی پیامبر ﷺ هنگام خروج، مردم را به انفاق تشویق نمود؛ عثمان رَضِيَ اللهُ عَنْهُ سیصد شتر با همهی بارکش‌ها و بارهای آن به همراه هزار دینار انفاق کرد. پیامبر ﷺ فرمود: "از این</p>	<p>غزوه تبوک</p>



غزوه تبوك

پس عثمان هر چه کند، زینتی به او نمی‌رسد". و صحابه هر کدام در خور توان خود انفاق کردند.

از همراهی با پیامبر ﷺ عموم منافقان و همچنین سه صحابی - بدون عذر - تخلف ورزیدند؛ آن سه عبارت بودند از: کعب بن مالک، هلال بن امیه و مرارة بن ربیع که درباره‌ی تأخیر در پذیرش توبه‌ی آنان، آیه‌ی ۱۱۸ سوره‌ی توبه نازل شد: (وعلى الثلاثة الذين خلفوا) و بدین ترتیب الله تعالی به سبب صداقت این سه نفر - که به دروغ بهانه‌تراشی نکردند - توبه‌ی آنان را پذیرفت. اما در این سوره منافقان را نکوهش کرد و بر آنان مهر شقاوت زد. و چون این سوره‌ی توبه منافقان را رسوا کرد، سوره‌ی فاضحة، (یعنی رسواکننده) نامیده شده است.

در این غزوه پیامبر ﷺ با فرمانروای ایل و نیز اهالی جربا و اذرح در مقابل پرداخت جزیه، پیمان صلح نوشت و همین‌طور در برابر پرداخت جزیه با اکیدر، امیر دومه مصالحه نمود و هفده شب در تبوک ماند و سپس بی‌آنکه درگیر جنگ شود، به مدینه بازگشت.

وقتی پیامبر ﷺ به مدینه بازگشت، الله تعالی دستور تخریب مسجد ضرار را که منافقان ساخته بودند، صادر نمود ﴿ضَرَارًا وَكُفْرًا وَتَقَرُّبًا بِبَنِي الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْكَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾ [توبه: ۳۷]، پس پیامبر ﷺ آن را خراب نمود؛ تبوک، آخرین غزوه‌ی پیامبر ﷺ بود.

سنة الوفود

پس از غزوه تبوک، قبیله‌ی ثقیف مسلمان شدند و سال ۹ هـ را سنة الوفود نامیدند. قبیله‌ها گروه گروه نزد پیامبر ﷺ آمدند و مسلمان شدند. از جمله: بنی تمیم و بزرگشان عطارد بن حاجب تمیمی، طيء و بزرگشان زید الخیل، عبد القیس و بزرگشان جارود العبیدی، بنی حنیفة که مسیلمة کذاب (مدعی پیامبری) در میان آنها بود.

حج ابوبکر

پیامبر ﷺ در سال ۹ هـ ابوبکر رضی الله عنه را به عنوان امیر کاروان حج فرستاد، وی برای مردم حج نمود. پیامبر ﷺ علی رضی الله عنه را فرستاد تا آیات آغازین سوره‌ی توبه را برای مردم بخواند؛ پیمان مشرکان را به خودشان بازگرداند و به مردم اعلام نمود که از این سال به بعد، هیچ مشرکی به حج نمی‌آید و کسی مانند دوره‌ی جاهلیت، برهنه حج نمی‌کند.





حجّة الوداع	<p>رسول الله ﷺ در سال ۱۰ هـ حجّة الوداع را به جا آورد؛ بیش یکصد هزار مسلمان از قبایل و سرزمین‌های بسیار، با او همراه شدند. پیامبر ﷺ مناسک حج را به آنان آموخت، در روز عرقه برایشان سخنرانی نمود و این آیه را تلاوت نمود: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ [مائده: ۳] اعلام نمود که دین، کامل شد و رعایت قرآن و سنت را به آنان سفارش کرد، خون، مال و آبروی آنان را بر یکدیگر حرام نمود. این خطبه‌ی وداع پیامبر ﷺ بود.</p>
فرستادن	<p>پیامبر ﷺ در صفر سال ۱۱ هـ لشکری را برای جنگ با روم، آماده نمود و أسامة بن زید رضی الله عنهما را فرمانده نمود. سپاه روانه شد و در جرف که اردو زد، خبر بیماری پیامبر ﷺ به آنان رسید.</p>





خلاصه‌ی غزوه‌های پیامبر ﷺ

همه‌ی غزوه‌ها و سریه‌های پیامبر ﷺ بعد از هجرت و در مدت ده سال روی داد. سریه‌ها و گروه‌هایی که گسیل می‌داشت، حدود ۶۰ مورد و غزوه‌ها ۲۷ مورد بود. پیامبر ﷺ در این نه غزوه شرکت داشت: بدر، احد، خندق، قریظه، مصطلق، خیبر، فتح مکه، حنین، طائف.

بدر: سوره‌ی انفال که سوره‌ی بدر هم می‌نامند.

احد: آخر سوره‌ی آل عمران از آیه‌ی: ﴿وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقْعِدَ لِلْقِتَالِ﴾ [آل عمران: ۱۲۱] تا اندکی پیش از آخر آن.

خندق، بنی قریظه و خیبر: آیات آغازین سوره‌ی احزاب.

بنی نضیر: سوره‌ی حشر.

حدیبیه و خیبر: سوره‌ی فتح؛ در سوره‌ی فتح به فتح مکه اشاره شده و در سوره‌ی نصر به آن تصریح شده است.

تبوک: آیاتی از سوره‌ی توبه.

آیاتی که درباره‌ی غزوه‌ها نازل شد

خلاصه‌ی غزوه‌ها و سریه‌های پیامبر ﷺ

پیامبر ﷺ فقط در غزوه‌ی احد زخمی شد. در غزوه‌های بدر، احد و حنین، فرشتگان به همراهش جنگیدند؛ فرشتگان در غزوه‌ی خندق، مشرکان را به لرزه انداختند و شکست دادند. در همین غزوه، فرشتگان سنگریزه‌ها را به صورت مشرکان زدند و آنان گریختند. در دو غزوه‌ی بدر و حنین، پیروز شد، فقط در غزوه‌ی طائف از منجنیق استفاده نمود، فقط در نبرد احزاب، خندق را با مشورت سلمان فارسی رضی الله عنه حفر کردند.



بی‌ماری و وفات پی‌امبر ﷺ

الله تعالیٰ به پیامبرش ﷺ میان دنیا و دیدار با پروردگار، حق انتخاب داد؛ وی دیدار الله و رفتن به بهشت را برگزید. پیامبر ﷺ به سختی بیمار شد. وی از همسرانش خواست که در خانه‌ی عائشة رضی الله عنها بگذرانند. همگی اجازه دادند. وقتی پیامبر ﷺ نتوانست برای نماز به مسجد برود، به ابوبکر رضی الله عنه دستور داد که نماز را برای مردم اقامه کند و این‌گونه بود که شایستگی وی را برای خلافت و جانشینی بعد از خود، نشان داد.

در صبح دوشنبه ۱۲ ربیع الأول سال ۱۱ هـ پیامبر ﷺ به طرف مردم نماز گزار رفت، پرده را بالا گرفت و در را باز کرد تا او را دیدند؛ به آنان لبخند زد و اشاره نمود که نماز را ادامه دهند. هوا که گرم‌تر شد، پیامبر ﷺ وفات نمود.

وفاتش، بزرگترین مصیبتی بود که بر مسلمانان وارد آمد و مسلمانان بدین خاطر، بسیار اندوهگین شدند.

مردم پیرامون ابوبکر رضی الله عنه جمع شدند و با او بیعت خلافت دادند؛ هیچ کساز بیعت کردن با وی، سرپیچی نکرد؛ زیرا همگی از پیش‌تاز بودن او در اسلام و برتری‌اش بر دیگر مسلمانان آگاه بودند.

سپس پیامبر ﷺ را غسل دادند و در سه پارچه‌ی سفید کفن کردند و در همان جایی که وفات یافته بود، یعنی خانه‌ی مادرمان عائشة رضی الله عنها، دفن نمودند؛ این قانون الله است که پیامبرانش هر جا از دنیا رفتند، دفن شوند. جن و انسان بر او نماز جنازه خواندند. سلام و صلوات الله بر محمد صلی الله علیه و آله باد و گواهی می‌دهیم که امانت الاهی را به‌انجام رسانید و امت را ارشاد نمود و در راه الله، به شایستگی جهاد فرمود. الله متعال او را به‌خاطر امتش پاداش دهد؛ پاداشی بهتر از هر پیامبر دیگر. والحمد لله رب العالمین.

پایان:

حسان بن ثابت رَضِيَ اللهُ عَنْهُ شاعر رسول الله ﷺ، می‌سراید:

يَا رَبِّ! فَاجْمَعْنَا مَعًا وَنَبِينَا فِي جَنَّةِ ثُنَيِ عُيُونِ الْحُسَيْدِ

پروردگارا! ما و پیامبرمان را در بهشتی که چشم حسودان از آن دور است، جمع گردان.

فِي جَنَّةِ الْفِرْدَوْسِ وَاکْتَبَهَا لَنَا يَا ذَا الْجَلَالِ وَذَا الْعُلَا وَالسُّودِدِ

در جنة الفردوس؛ آن را برایمان مقدر بفرما ای صاحب شکوه و بلندئ و قدرت.

صَلَّى الْإِلَهَ وَمَنْ يَعْفُ بِعَرْشِهِ وَالطَّيِّبُونَ عَلَى الْمُبَارِكِ أَحْمَدِ

الله و تمامی فرشتگانی که پیرامون عرش او می‌گردند و تمامی پاکان، بر محمد ﷺ درود می‌فرستند.

آزمون سوم

	درست	نادرست	سؤال:
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	چوپانی پیامبر ﷺ موجب صبر او و مهربانی‌اش به ضعیفان و توجه به آنان شد.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	پیامبر ﷺ که ۴۰ ساله شد، نور نبوت در او درخشید الله تعالی در روز جمعه او را با مقام رسالت گرامی داشت.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	آزار قریش نسبت به رسول ﷺ شدت یافت؛ او و خانواده‌اش را سه سال در شعب ابوطالب محاصره کردند. پیامبر ﷺ در ۴۹ سالگی از محاصره خارج شد.

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	پیامبر ﷺ در مکه، ... متولد شد: <input type="checkbox"/> در عام الفیل <input type="checkbox"/> ۵۳ سال پیش از هجرت <input type="checkbox"/> هر دو
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	در آغاز وحی، پیامبر ﷺ: <input type="checkbox"/> خلوت را دوست داشت <input type="checkbox"/> رؤیای صادقه بود <input type="checkbox"/> هر دو
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	وحی چند مرتبه دارد؟ <input type="checkbox"/> پنج <input type="checkbox"/> هفت <input type="checkbox"/> سه
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	دعوت پیامبر ﷺ چند مرتبه دارد؟ <input type="checkbox"/> دو <input type="checkbox"/> سه <input type="checkbox"/> پنج
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	پیامبر ﷺ با روح و جسم خویش به مسجد الأقصى رفت و از آن جا با به آسمان‌ها، به سوی الله ﷻ بالا رفت؛ الله با او سخن گفت و نماز را فرض نمود:
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	جسمش <input type="checkbox"/> روحش <input type="checkbox"/> جسم و روحش
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	نخستین مسجد در اسلام: <input type="checkbox"/> مسجد الحرام <input type="checkbox"/> مسجد نبوی <input type="checkbox"/> مسجد الأقصى <input type="checkbox"/> مسجد قباء
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تغییر قبله: <input type="checkbox"/> در مکه و قبل از هجرت <input type="checkbox"/> در سال دوم هجری <input type="checkbox"/> در سال سوم هجری
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	غزوه‌ی بدر در رمضان سال بود: <input type="checkbox"/> دوم هجری <input type="checkbox"/> سوم هجری



أبو بكرٍ صدّيق	زيد بن حارثة	بلال بن رباح	علي بن أبي طالب	نخستين کسانی که ایمان آوردند:
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	از مردان
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	از کودکان
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	از خادمان
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	از بردگان

۷ سالگی	عبد الله بن عبد المطلب	حدود ۸ سالگی	عبد المطلب	أبو طالب	سرپرستی پیامبر ﷺ:
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	جدّش، سرپرست او شد
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	سپس وفات یافت و پیامبر ﷺ
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	عمویش سرپرست او شد
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	در شکم مادر بود
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	در زمان وفات مادر

یک غزوه	نه تا از آنها	بیست و هفت	۶۰ سالگی	ده سال	غزوها و سریه‌های پیامبر ﷺ:
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	همه‌ی سریه‌های بعد از هجرت، در مدت:
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تعداد سریه‌ها:
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تعداد غزوه‌ها:
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	در... جنگید:
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	در... زخمی شد:



فهرست موضوعات

۳	❖ مقدمه کتاب
۶	❖ اوصاف زیبای پیامبر ﷺ
۱۴	❖ آزمون اول
۱۷	❖ رهنمود پیامبر ﷺ
۲۲	❖ آزمون دوم
۲۶	❖ برخی از خصایص پیامبر ﷺ
۲۹	❖ پیامبر ﷺ و همسرانش
۳۴	❖ سیرت پیامبر ﷺ پیش از بعثت
۳۶	❖ آغاز وحی
۴۰	❖ دوران مکی
۴۳	❖ دوران مدنی
۵۱	❖ چکیده غزواتش
۵۲	❖ بیماری و وفات پیامبر ﷺ
۵۴	❖ آزمون سوم
۵۶	❖ فهرست موضوعات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کسی که اندک تلاش و اراده‌ای برای شناخت پیامبرش ﷺ و سیرت و رهنمودهای او دارد، از این عبارات ساده بی‌نیاز نیست. ابن قیّم رحمه الله می‌گفت: «اگر سعادت انسان در دو دنیا، به رهنمودهای پیامبر ﷺ وابسته باشد، پس هر کسی خیرخواه خویش است و سعادت و نجات را می‌خواهد، باید باید با رهنمودها و سیرت و جایگاه وی آشنا گردد تا از بی‌خبران نباشد و جزو پیروانش گردد و برخی از مردم، خیلی کم به این بحث وارد می‌شوند، برخی زیاد و برخی از آن محرومند، و هر لطف و فضلی، در اختیار الله است؛ به هر کس بخواهد، عطا می‌فرماید؛ و الله، فضل بسیاری دارد».

هینم کان
الموقع الرسمي للشيخ ..

www.sarhaan.com